



Religious education pathology in the Preschool education: A Phenomenographic Study

Hossein Chaharbashloo¹ | Behnam Karimi²
DOR: 20.1001.1.22516972.1403.32.62.1.6

Vol. 32
Spring 2024
P.P: 11-44

Research Paper

Received : 10
October 2022
Revised : 05 May
2023
Accepted : 13
February 2024
Published : 20 March
2024

ISSN: 2251-6972
E- ISSN: 2645-5196



Abstract

The purpose of this research is to represent the Injuries of religious education in the preschool period. In this regard, qualitative research approach and phenomenography research method were used. 15 experts and specialists in the field of pre-primary school and religious education from across the country were selected using criterion type purposeful sampling with maximum diversity. Research data were collected through semi-structured interviews until data saturation was reached. qualitative Content analysis was used for data analysis. The findings indicate serious and fundamental Injuries in both intra-organizational and extra-organizational dimensions. Injuries within the organization include; Injuries related to teachers, injuries related to targeting religious education, injuries related to the content and methods of presenting it to children, and external injuries including; The Injuries are in the management policies sector and the Injuries are in the cultural-social policies sector. Based on the findings, suggestions have been made to reduce the Injuries of religious education Preschool.

Keywords: Religious education, preschool education, injuries, phenomenography research method.

1. Corresponding author: Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Islamic Education, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Email: Hossein.Charbashlu@gmail.com

2. Doctoral student of Curriculum Studies, Department of Educational Sciences, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Khwarazmi University, Tehran.

Cite this Paper: Chaharbashloo, H & Karimi, B (2024). E Religious education pathology in the Preschool education: A Phenomenographic Study. Research in Islamic education issues, 32(62), 11–44.

Publisher: Imam Hussein University



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).





اضرار التربية الدينية في فترة ما قبل المدرسة: دراسة ظاهرية

حسين الجهارباشلو^١ | بهنام الكريمي^٢

DOR: 20.1001.1.22516972.1403.32.62.1.6

٦٢

المجلد ٣٢

الربيع ١٤٤٦

ورقة البحث

تاريخ الاستلام: ١٦ ربيع الاول ١٤٤٤
تاريخ المراجعة: ١٦ شوال ١٤٤٤
تاريخ القبول: ٥ شعبان ١٤٤٥
تاريخ النشر: ١٢ رمضان ١٤٤٥

صن: ٤٤-١١

ISSN: 2251-6972
E-ISSN: 2645-5196



الملخص

يهدف هذا البحث إلى التعرف على أضرار التربية الدينية في فترة ما قبل المدرسة. تم إجراء هذا البحث في شكل منهج نوعي ومنهج كتابة الظواهر. تم اختيار خمسة عشر خبيراً في مجال التعليم التمهيدي والتعليم الديني من مجموع البلد بطريقة العينة الهادفة، باستخدام معايير ذات أقصى قدر من التنوع. تم جمع بيانات البحث من خلال مقابلات شبه منظمة حتى تشبع البيانات. تم استخدام تحليل المحتوى النوعي لتحليل البيانات. وتشير النتائج إلى أضرار جسيمة وجوهرية في كل من الأبعاد داخل المنظمة وخارجها. تشمل الاصابات الداخلية؛ إصابات تتعلق بالتربويين، وإصابات تتعلق باستهداف التربية الديني، وإصابات تتعلق بمضمون وطرق تقديمه للأطفال، وتشمل الإصابات الخارجية الإصابات في قطاع السياسات الإدارية والاصابات في قطاع السياسات الثقافية الاجتماعية. وفي ضوء النتائج تم تقديم اقتراحات لإصلاح أضرار التعليم الديني في مرحلة ما قبل المدرسة.

الكلمات الرئيسية: التربية الدينية، فترة ما قبل المدرسة، الإصابات، كتابة الظواهر.

١. الكاتب المسؤول: أستاذ مساعد، قسم العلوم التربوية، كلية التعليم والتربية الإسلامية، وحدة العلوم والبحوث، جامعة الحرة الإسلامية، طهران، إيران. البريد الإلكتروني: Email:Hossein.Charbashlu@gmail.com

٢. طالبة دكتوراه في دراسات المناهج الدراسية، قسم العلوم التربوية، كلية علم النفس والعلوم التربوية، جامعة الخوارزمي، طهران.

استشهاد: الجهارباشلو، حسين وكريمي، بهنام (١٤٠٣)، اضرار التربية الدينية في فترة ما قبل المدرسة: دراسة ظاهرية، بحث في قضايا التربية الإسلامية، ٣٢(٦٢)، ١١-٤٤. <https://dor1.net/dor/ DOR:20.1001.1.22516972.1403.32.62.1.6.44-11>

الناشر: جامعة الامام الحسين (ع) المؤلفون

هذه المقالة متاحة لك بموجب رخصة المشاع الإبداعي (Creative Commons License - CC BY)





آسیب‌های تربیت‌دینی در دوره پیش‌دبستانی: یک مطالعه پدیدارنگارانه

حسین چهارباشلو^۱ | بهنام کریمی^۲

DOR: 20.1001.1.22516972.1403.32.62.1.6

۶۲

سال سی و دوم
بهار ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۸ مهر ۱۴۰۱
تاریخ بازنگری: ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۲
تاریخ پذیرش: ۲۴ بهمن ۱۴۰۲
تاریخ انتشار: ۰۱ فروردین ۱۴۰۳
صص: ۴۴-۱۱

شابا جایی: ۶۹۷۲-۲۲۵۱
الکترونیکی: ۵۱۹۶-۲۶۴۵



چکیده

هدف از انجام این پژوهش، شناسایی آسیب‌های تربیت‌دینی در دوره پیش‌دبستانی است. این پژوهش در قالب رویکرد کیفی و به روش پدیدارنگاری انجام شده است. پانزده کارشناس حوزه پیش‌دبستانی و تربیت‌دینی از سطح کشور به روش نمونه‌گیری هدفمند، از نوع ملاکی با حداکثر تنوع انتخاب شدند. داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه نیمه ساختارمند تا زمان اشباع داده‌ها گردآوری شد. برای تحلیل داده‌ها، از تحلیل محتوا کیفی استفاده شد. یافته‌ها حاکی از آسیب‌های جدی و اساسی در دو بعد درون سازمانی و برون سازمانی است. آسیب‌های درون سازمانی شامل: آسیب‌های مربوط به مربیان، آسیب‌های مربوط به هدف‌گذاری تربیت‌دینی، آسیب‌های مربوط به محتوا و شیوه‌های ارائه آن به کودکان و آسیب‌های برون سازمانی شامل: آسیب‌ها در بخش سیاست‌های مدیریتی و آسیب‌ها در بخش سیاست‌های فرهنگی - اجتماعی است. بر اساس یافته‌ها، پیشنهادها برای رفع آسیب‌های تربیت‌دینی پیش‌دبستانی ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: تربیت‌دینی، دوره پیش‌دبستانی، آسیب‌ها، پدیدارنگاری.

۱. نویسنده مسئول: استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده تعلیم و تربیت اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: Hossein.Charbashlu@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری مطالعات برنامه‌درسی، گروه علوم تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران.

استناد: چهارباشلو، حسین و کریمی، بهنام (۱۴۰۳)، آسیب‌های تربیت‌دینی در دوره پیش‌دبستانی: یک مطالعه پدیدارنگارانه، **پژوهش در**

مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۳۲(۶۲)، ۴۴-۱۱. <https://dorl.net/dor/DOR:20.1001.1.22516972.1403.32.62.1.6>

© نویسنده‌گان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

انسان امروزی در جهان، درگیر بحران‌های گوناگون شده است؛ بحران بی‌هویتی، بحران ارزش‌ها، بحران در انتخاب هدف، بحران در کلیت خویش، بحران در معرفت دینی و دین‌فهمی، و بالأخره بحران در آیین اخلاق و آداب انسانی (مرادی، سید کلان و عیاری، ۱۳۹۳). امروزه انسان از یک سو به طور عام، نیازمند فرهنگی است که بتواند بر اساس آن تعادل روانی خویش را که برگرفته از ایمان الهی و شوق دینی و احساس عرفانی و تربیت معنوی است به دست آورد. از سوی دیگر، کودکان و نوجوانان ما به طور خاص، در سپهر بی‌کران اطلاعات و ارتباطات و در معرض پیام‌های بی‌شمار ضد دینی قرار دارند (صلح میرزایی، ۱۴۰۰) که سبب ناپدید و کم‌رنگ شدن پایبندی به اصول و ارزش‌های دینی (عرسان کیلانی، ۱۳۸۹؛ زهراکار، خازنده، خدادادی، موزیری، ۱۳۹۲؛ رشید، ۱۳۹۴)؛ دین‌گریزی و کم‌رغبتی نسل نو به تربیت دینی و مذهبی (سادئی، ۱۳۷۱؛ نصرتی، ۱۳۹۳)؛ تردید در آموزه‌ها و اعتقادات دینی (کشاوری، ۱۳۸۴) و افزایش ضریب آسیب‌پذیری دینی متربیان شده است (کشاوری، ۱۳۸۷؛ باقری، ۱۳۸۸) و این مسئله، هشاری درباره این مخاطبان کم‌سن و سال را وظیفه‌ای انکارناپذیر می‌سازد (مرادی، سید کلان و عیاری، ۱۳۹۳).

تربیت دینی از دیرباز موضوع بحث و بررسی اندیشمندان تربیتی با دیدگاه‌های گوناگون فلسفی، علمی و دینی بوده است. متخصصان حوزه دین و تعلیم و تربیت بر این باورند که اگر افراد جامعه «زندگی» خود را بر مدار «دین» و «خداآواری» قرار دهند، سلامت و سعادت جامعه در همه ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تضمین می‌شود (قاسم‌پور دهاقانی و جعفری، ۱۳۸۸: ۲۸). تربیت دینی به عنوان یک حوزه مطالعاتی در تربیت اسلامی، به هر گونه فعالیت هدف‌مندی تلقی می‌شود که در نظام آموزش و پرورش کشور به منظور ایجاد و تقویت شناخت و باور به معارف دینی، گرایش به ارزش‌ها و هنجارهای دینی و التزام عملی به احکام و دستورات دینی طراحی شده است (شهریاری و نجفی، ۱۳۸۹). به دیگر سخن، برخورداری از ینش دینی و دین‌آگاهی، دین‌باوری و ایمان دینی یا التزام درونی، کوشش در جهت تنظیم رفتار و عادات بر اساس موازین دینی و احساس رضایت از آن (مهر محمدی و صمدی، ۱۳۸۲).

سخن گفتن از تربیت دینی در قرن بیست و یکم، مستلزم این است که تربیت دینی به گونه‌ای سازماندهی شود که توانایی مقاومت در برابر چالش‌های این قرن را از طریق انعطاف‌پذیری و تطابق با نیازهای روز جامعه را داشته باشد. در کشور ما نظام تعلیم و تربیت، ویژگی اسلامی بودن را دارد؛ با وجود این ساختارهای عینی و مفهومی که تربیت دینی خود را سازمان داده‌ایم در برابر موج ساخت‌زدایی قرن حاضر، متزلزل خواهد شد. در نتیجه، نظام تربیت دینی متناسب با آن در معرض این تزلزل قرار خواهد گرفت (باقری، ۱۳۸۸؛ صلح میرزایی، ۱۴۰۰). این مسئله در حالی است که تربیت دینی - بر اساس تجربه‌های زیسته یادگیرندگان و معلمان و شواهد علمی - در مدارس در ارائه برون‌دادهای دینی و اخلاقی مطابق با اهداف مورد انتظار اسلام و نظام چندان موفق عمل نکرده است (شمشیری و نوذری، ۱۳۹۰؛ میرشاه جعفری و رحمان پور، ۱۳۹۵؛ باقری، ۱۳۷۹؛ دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲؛ ساجدی، ۱۳۸۶؛ حیدری، ۱۳۹۲) و باعث دلزدگی دانش‌آموزان نسبت به درس دینی شده است (کشاورز، ۱۳۸۷). وجود این کاستی‌ها و ضعف‌ها نه تنها در ساختار شخصیت فراگیران اثرگذار است، بلکه موجبات بروز بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی و در پی آن تنش‌های روحی و چالش‌های اجتماعی می‌شود. ریشه‌های بروز رفتارهایی مثل قانون‌گریزی، ساختار شکنی، احساس بی‌هویتی دینی، ناکارآمد پنداری تعالیم دینی، گرایش به فرهنگ بیگانه، بی‌تفاوتی فرهنگی، احساس بی‌قدرتی، روزمرگی در برنامه‌های شخصی، بی‌اعتنایی تربیتی، دینی، عدم پذیرش مسئولیت، انزوای اجتماعی - فرهنگی، افزایش تمایلات نیازی و غیره را در نگرش دانش‌آموزان نسبت به شرایط زمانی، اجتماعی، آموزشی و دینی در مدارس باید جستجو کرد (حیدری، ۱۳۹۲؛ رشید، ۱۳۹۴). به نظر کارشناسان دلیل عمده عدم موفقیت درباره تربیت دینی کودکان، نقص و آسیب در برنامه‌هاست نه در کودکان (رحمان پور و میرشاه جعفری، ۱۳۹۵؛ شمشیری و نوذری، ۱۳۹۰؛ کشاورز، ۱۳۸۷). فقدان آگاهی از برداشت‌های کودکان، تعلیم و تربیت ما را دچار نواقص و کمبودهای گوناگونی خواهد کرد؛ از جمله اینکه سبب خواهد شد معارف دینی در سطوحی ارائه شود که با فهم کودکان متناسب نباشد و گاه این مایه خستگی و دلزدگی آنان از معارف دینی و حتی اصل اسلام می‌شود (چراغ چشم، ۱۳۸۶؛ ساجدی، ۱۳۸۶). افزون بر اینکه تفکر خام و محدود، آنان را نه تنها از تصورات و برداشت‌های غیرواقعی نجات نمی‌بخشد، بلکه این تصورات دور از واقعیت را تقویت خواهد کرد؛ زیرا کودک ناچار است برای

درک مفاهیمی فراتر از استعداد خویش، به همان تفکرات کودکانه و خام روی آورده، از این طریق خود را قانع سازد (شمشیری و نوذری، ۱۳۹۰).

اهمیت و نقش دوره پیش‌دبستانی در انضباط فکری سال‌های آغازین زندگی کودک، یکی از مهمترین دوره‌های رشد او به شمار می‌آید و آنچه در این دوران رخ می‌دهد از یک سو، بر شخصیت و رشد بعدی کودک اثرگذار است و از دگر سو، تخریب و از بین رفتن آن مشکل‌تر است (مفیدی، ۱۳۹۳؛ آذرکسب، ۱۳۹۱). با درک این مهم، اهمیت تربیت دینی برای دوره آموزشی پیش از دبستان ضرورت دوچندان می‌یابد؛ چرا که دوران کودکی نزدیک‌ترین دوره انسان به سرشت پاک او است.

بنابراین با توجه به اهمیت فراوان دوران کودکی به عنوان نزدیک‌ترین دوره زندگی انسان به فطرت، سستی از پرداختن به تربیت دینی و یا اقدام‌های نادرست در این زمینه آسیب‌بزرگی در مسیر تربیت دینی در سراسر زندگی انسان به ارمغان می‌آورد (شمشیری و نوذری، ۱۳۹۰؛ باقری، ۱۳۸۸). بر این اساس، شناخت عوامل آسیب‌زا که سبب ناآشنایی متربیان به معارف دینی و عدم پایبندی و رغبت آنها در انجام وظایف دینی می‌شود اهمیت دوچندان دارد؛ چرا که شناخت جنبه‌های منفی و آسیب‌شناسی تربیت دینی کمتر از شناخت جنبه‌های مثبت آن نیست (باقری، ۱۳۸۸). آسیب‌شناسی تربیت دینی در دوره پیش‌دبستانی در کنار سایر عوامل می‌تواند از بروز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی در سطح گروه‌های دانش‌آموزی و بزرگسالی جلوگیری کند؛ چرا که بحران‌های ناشی از تربیت دینی بسیار عمیق و گسترده است و می‌تواند به بحران‌های روحی و فکری، بحران‌های فرهنگی و اعتقادی، بحران‌های اجتماعی و سیاسی، شکسته شدن حریم‌های فردی و اجتماعی و بی‌هویتی آدمی منجر شود (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲). همان‌طور که امام علی (ع) می‌فرماید: دین محافظت‌کننده انسان از کثری و انحراف و بازدارنده او از محرمات و خبائث است.

لذا هدف پژوهش این است از منظر صاحب‌نظران و کارشناسان پیش‌دبستانی، تربیت‌دینی نوآموزان با چه آسیب‌های مواجه است و چه پیشنهادها می‌توان برای کاهش آن ارائه داد. برای شناخت آسیب‌های پیش‌روی تربیت دینی نوآموزان، باید وضعیت موجود تربیت‌دینی در دوره پیش از دبستان منصفانه، آگاهانه و به صورت علمی مورد نقد و بازشناسی قرار گیرند تا در

راستای آن به اصلاح و بهینه‌سازی تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در مورد تربیت دینی نوآموزان پرداخت تا از بسیاری آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی در آینده جلوگیری شود.

مبانی نظری

برای تربیت تعاریف گوناگونی بیان کرده‌اند. از منظر لغوی، تربیت مصدر باب تفعیل از ماده «ربی، یربو» به معنی رشد است و تربیت یعنی رشد دادن (لسان‌العرب، ذیل «ربی»). به لحاظ مفهومی، تربیت فراهم آوردن زمینه برای پرورش استعدادهای درونی هر موجود و به فعلیت رساندن استعدادهای بالقوه درون وی تعریف شده است (سجادی پور و ابراهیمی، ۱۳۹۶). از دین هم تعاریف گوناگونی شده است. آیت‌الله جوادی (۱۳۷۲) در تعریف دین می‌گوید: دین مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها است. به دیگر سخن، دین روش مخصوصی است در زندگی که صلاح دنیا را به طوری که موافق کمال اخروی و حیات دائمی حقیقی باشد، تامین می‌نماید (علامه طباطبایی، ۱۳۶۳). بر این اساس، تربیت دینی که یکی از مهمترین و عمده‌ترین بخش معارف اسلامی و اساسی‌ترین وظیفه اولیای الهی و متولیان و مربیان جامعه انسانی اسلامی است (پاکزاد، ۱۳۹۰)؛ تربیتی است که متریبی به گونه‌ای آموزش ببیند و تربیت شود که کمال شخصیت او با اهداف دینی مطرح شده در قرآن و روایات همگونی داشته باشد و نهایتاً بتوان او را مسلمان واقعی دانست. به عبارتی جامع، تربیت دینی دارای ابعاد است: بعد اول آن جنبه از تربیت است که نوجوانان را به وظایف خود آگاه می‌کند و تعهد به اصول و تقید به فروع دین و احکام را در وجود آنها درونی می‌کند. بعد دوم، آن است که نوجوانان را به اصل و ریشه دین آشنا می‌کند. معرفت و محبت دین و بزرگان آن را در ضمیر وجودی آنها زنده و جاویدان می‌سازد. بعد سوم تربیت دینی آن است که از او یک انسان متعالی، خردورز و شایسته می‌سازد و فهم و درک آنها را نسبت به ارزش‌های معنوی خود افزایش می‌دهد. عادت به تفکر و تعقل را در آنها زنده می‌کند. بعد چهارم در تعلیم و تربیت دینی، این است که آنچه که از فضایل اخلاقی و کرامات انسانی شنیده است را در عمل و رفتار خود پیاده نماید (حیدری، ۱۳۹۲). لازم به ذکر است، در ادبیات پژوهش داخلی برای تعریف تربیت دینی دو رویکرد وجود دارد: تربیت از طریق دین و تربیت برای دین. در رویکرد تربیت از طریق

دین، تربیت‌دینی منسوب به دین است و محتوای خود را از دین الهام می‌گیرد و هدف آن آموزش مواردی است که در دین مورد تاکید است. در رویکرد تربیت برای دین، تربیت در خدمت اهداف ویژه‌ی دین قرار می‌گیرد و مجموعه تدابیر و روش‌هایی است که برای ایجاد، ابقاء و اکمال عقاید، اخلاق و اعمال دینی اتخاذ و اجرا می‌گردد (بهشتی و نیکویی، ۱۳۹۰).

دیدگاه‌های نظری مختلفی نسبت به تربیت دینی وجود دارد از جمله؛ رویکرد مبتنی بر عادت، عقلانیت و شهود سجادی (۱۳۸۴)، رویکرد عملی - تبیینی - انتقادی باقری (۱۳۸۹)، رویکرد عقلانیت مطلق، معطل و معتدل بهشتی (۱۳۸۲) و رویکرد فطرت‌گرا، کمال‌گرا، عقل‌گرا، ایمان‌گرا، معنویت‌گرا، زیبایی‌گرا و جمع‌گرایی عقل و عرفان (کشاوری، ۱۳۸۴). در این پژوهش، با توجه به اینکه کودکان دارای فطرت پاک و الهی هستند و رویکرد حاکم بر تعلیم و تربیت کودک مبتنی بر رویکرد "شکوفایی فطرت الهی" است (مصوبه هفتصد و هفتادمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۸۷)؛ رویکرد مطلوب و مناسب به تربیت‌دینی در دوره پیش‌دبستانی رویکرد فطرت‌گرا (کشاوری، ۱۳۸۴؛ ذوعلم، ۱۳۹۰) و رویکرد عملی - تبیینی - انتقادی باقری (۱۳۸۹) است. در رویکرد فطرت‌گرایی، کودکان همچون جوانه‌های امیدبخشی هستند که دست مایه حیات‌شان بذر پاکیزه فطرت است و بستر رشدشان زمین مستعد خانواده و سپس جامعه؛ مساله تعلیم و تربیت مفید و سالم در فضای مساعد رشد می‌تواند نقش مطلوب بر لوح و فطرت کودک بنگارد و زمینه کمال وی را فراهم سازد و از این راه آینده‌ای روشن را برای ملت‌ها تضمین کند. نگاه فطرت‌گرایی توحیدی مخاطب ما را از تلقی شیء و کالا بالاتر می‌برد. در نگاه فطرت‌گرایی توحیدی، مخاطب و مرتبی امانت الهی تلقی می‌شود (ذوعلم، ۱۳۹۰). در رویکرد باقری (۱۳۸۹) به تربیت دینی، سه عنصر مدنظر است: آموزش عملی، آموزش تبیینی و آموزش انتقادی. منظور از آموزش عملی ناظر بر این است که امکان تجربه عملی برای کودک فراهم شود به گونه‌ای که کودک، امر ارزشی مدنظر را تجربه کند. از دگر سو، مربی در مقام آموزش ارزش‌ها، خود باید عامل به ارزش باشد. آموزش عملی در تربیت دینی، می‌تواند به تحقق احساس‌ها و مهارت‌های عملی منجر شود هر چند که بعد شناختی و فهم منطق عمل، در این جنبه ظهور نمی‌یابد. مراد از آموزش تبیینی این است که رفتارهای اخلاقی و اعمال دینی در پرتو عقل‌ورزی مورد تبیین قرار گیرد. این نوع آموزش می‌تواند همراه آموزش عملی آغاز شود. نکته قابل ذکر این است که تبیین‌ها باید با میزان

فهم مرتبی تناسب داشته باشد. منظور از انتقادی بودن تربیت دینی ناظر بر نقد فهم‌های مرتبی، مرییان و فرهنگ اجتماعی از مفاهیم دینی است که می‌تواند همراه با کژتابی‌های باشد که رفع آن هدف آموزش انتقادی است؛ که این امر با توجه به ظهور عصر فناوری و ارتباطات، اینترنت و تهاجم فرهنگی و ایجاد شبهات زیاد دینی اهمیت دو چندان در تربیت دینی دارد.

پیشینه پژوهش

در این بخش، تعدادی از پژوهش‌های مرتبط صورت گرفته درباره تربیت دینی، مورد بازنگری قرار می‌گیرد. هدف این بازنگری، بررسی انتقادی ادبیات پژوهش و پی بردن به نقاط کور پژوهش است.

مهر محمدی و صمدی (۱۳۸۰) در پژوهشی به طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی دینی برای دوره متوسطه تحصیلی و میزان توافق برنامه درسی رسمی با آن پرداختند. نتایج حاصل بیانگر آن است که برنامه ریزی منسجم و منظمی در زمینه برنامه درسی دینی وجود ندارد. همچنین این الگوی با برنامه درسی جدید دینی که در مرحله آزمایشی برای سال اول متوسطه می باشد، مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است. شواهد مبین آن است که علی رغم وجود هماهنگی‌های نسبی در بعضی زمینه‌ها، برنامه درسی جدید دینی اصلاح و بازنگری نظامندی را می‌طلبد. در پژوهشی دیگر، کشاورز (۱۳۸۷) به شناسایی شاخص‌ها و آسیب‌های تربیت دینی در مدارس با روش تحلیلی-استنتاجی پرداخت. نبودن برنامه ریزان و کارشناسان با صلاحیت در طراحی و تولید برنامه‌های درسی دینی، به کارگیری روش تدریس حافظه محور و استفاده از رویکردهای ارزشیابی سنتی از آسیب‌های عمده تربیت دینی بود. سلحشوری (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان "حدود و ثغور تربیت اخلاقی، معنوی و دینی" به ترسیم نقشه مفهومی این مفاهیم پرداخت. وی با رویکردی متون کاوی به این یافته مهم رسید که غایت تربیت اخلاقی تربیت معنوی و غایت تربیت معنوی، تربیت دینی می‌باشد و بین این مفاهیم ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. در پژوهشی دیگر، سعادت‌مند، لیاقتدار و صادقیان (۱۳۹۱) به نیازسنجی برنامه درسی دوره پیش دبستانی از منظر دیدگاه مدیران و مرییان شهر اصفهان پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد آموزش‌های دینی و مذهبی با میانگین ۴/۰۶ به عنوان یکی از نیازهای اساسی در برنامه درسی پیش دبستانی مطرح شد. شمشیری و نوذری (۱۳۹۰)

در پژوهش‌شان به آسیب‌شناسی تربیت دینی کودکان مقطع پیش‌دبستانی از نظر متخصصان علوم تربیتی، روانشناسی، علوم دینی، ادبیات کودک و مریان پیش‌دبستانی پرداختند. عمده‌ترین آسیب‌ها عبارت است از: عدم توجه به اصل دین‌یابی، عدم توجه به تجارب دینی فردی، در نظر نگرفتن اصل فطرت، عدم دین‌محوری در برنامه‌تعلیم و تربیت، عدم رعایت آزادی در تعلیم و تربیت به ویژه تربیت دینی، رعایت نکردن میانه‌روی و سرانجام عدم به‌کارگیری تخیل و استفاده از زبان هنر. مرادی، سید کلان و عیاری (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان "طراحی الگوی برنامه درسی معنوی در راستای تربیت زمینه‌ساز؛ راهبردها و راهکارهای اجرایی آن" پرداخته است. پژوهشگران با بررسی، تلخیص، تحلیل محتوا و نتیجه‌گیری از آن‌ها، به معرفی مبانی نظری (فلسفی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی) برنامه‌درسی معنوی و عناصر آن (اهداف، محتوا، روش‌ها، شیوه‌های ارزشیابی) مبادرت ورزیده‌اند. در پژوهشی دیگر، عبدالحسینی، نادری و سیف‌نراقی (۱۳۹۴) به طراحی الگوی برنامه درسی تربیت دینی و اخلاقی برای دانش‌آموزان دوره اول متوسطه بر اساس رویکرد ترکیبی عقل و ایمان از منظر قرآن کریم پرداختند و پیشنهادی جهت بهبود آموزش‌های دینی و اخلاقی مدارس متوسطه اول ارائه دادند. فضل‌الهی و ملکی (۱۳۹۴) با رویکرد کمی - پیمایشی به اولویت‌بندی عوامل خانوادگی موثر در تربیت دینی فرزندان پرداختند. نتایج نشان داد از دیدگاه والدین تلاش به منظور کسب روزی حلال در امرار معاش، تشویق فرزندان به صداقت و راستگویی، رعایت حق‌الناس، اعتقاد به وحدانیت خداوند متعال، افزایش و تقویت روحیه گذشت و فداکاری توسط والدین و پایبندی خانواده به روحیه عدالت‌گرایی و عدالت‌خواهی به ترتیب از مؤثرترین و اولویت‌دارترین عوامل خانوادگی تأثیرگذار در تربیت دینی فرزندان شناخته شد. رحمان‌پور و میرشاه جعفری (۱۳۹۵) با رویکرد کیفی به شناسایی آسیب‌های تربیت دینی و ارائه راهکارهای مناسب از دیدگاه صاحب‌نظران با رویکرد برنامه‌ریزی درسی پرداختند. نتایج نشان داد برخوردهای تعصب‌آمیز و قشری‌گونه، کج‌فهمی‌ها، بدفهمی‌های دینی از سوی افراد و همچنین ناکارآمدی نظام‌های تربیت دینی مهم‌ترین آسیب‌ها بود. راهکارهای این نوشتار نیز نشان داد که ترویج رویکرد عقل‌ورزی، دوری جستن از تعصبات و تمایلات فردی و جمعی، لزوم رعایت تفاوت‌های فردی و استفاده از روش‌های آموزشی مسئله - محور در برنامه‌ریزی‌های درسی تربیت دینی، می‌تواند زمینه‌برون‌رفت از آسیب‌ها را فراهم سازد. در

پژوهشی دیگر، عزیزی، رستمی و میرشاه جعفری (۱۳۹۶) به بررسی تأثیر راهبردهای حل مسئله بر رشد شاخص‌های تربیت دینی از دیدگاه معلمان پرداختند. نتایج نشان داد راهبردهای حل مسئله بر رشد پنج شاخص از شاخص‌های تربیت دینی از جمله شاخص تفکر و تعقل، معرفت و بصیرت، عزت نفس، اعتدال و شاخص صبر و بردباری تأثیر دارد و به کارگیری راهبردهای حل مسئله توسط معلمان باعث رشد این شاخص‌های تربیت دینی می‌شود. حافظی، علیرضا (۱۳۹۶)، در پژوهشی با روش تحلیل محتوا به بررسی لحاظ شدن مولفه‌های تربیت دینی در مجلات رشد کودک پرداخت. یافته‌های پژوهش نشان داد مولفه‌ها و خرده مولفه‌های تربیت دینی به شیوه متعادل در کتاب‌های مورد هدف مورد ملاحظه قرار نگرفتند. همچنین، عابدی، خادمی، منادی و کیانمش (۱۳۹۷) در پژوهش‌شان با رویکرد آمیخته به عوامل موثر بر تحقق‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان پرداختند. نتایج نشان داد ویژگی‌های کتاب درسی با ضریب همبستگی، ۷۸/۰؛ ویژگی‌های معلم، ۷۶/۰؛ امور تربیتی در مدارس، ۸۹/۰؛ به کارگیری مناسب رسانه‌ها و فضای مجازی، ۷۶/۰؛ عوامل برانگیزاننده، ۲۹/۰؛ کارکرد مدیر، ۸۷/۰ و آموزش‌های بنیادی با ضریب همبستگی، ۸۸/۰ مؤثرترین عوامل در تحقق‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان می‌باشند. شهریاری و نجفی (۱۳۹۸) در پژوهشی به شناسایی صلاحیت‌های علمی و عملی مربی تربیت دینی همسو با حکمت ۱۴۷ نهج البلاغه پرداختند. یافته‌ها نشان داد طیف علمی صلاحیت‌هایی چون "اخذ، انتقال و مراقبت" بوده و طیف عملی صلاحیت‌هایی مانند سلبی (استیکال، استیکار، عدم ژرف‌اندیشی، لذت‌گرایی، ثروت‌اندوزی) و ثبوتی (خداگرایی، معرفت‌یقینی، صبر و استقامت و شهامت) را در بر می‌گیرد. نجفی و ابراهیمی‌نیا (۱۳۹۹) در پژوهش‌شان به بررسی موانع فردی و اجتماعی هدایت‌پذیری دینی چالشی در هدف‌گذاری برنامه درسی تربیت دینی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که موانع فردی از جمله «قساوت قلب، غفلت، تکبر، طغیان، پیروی از ظن و گمان، دنیاگرایی، تاسی از هوای نفس» و موانع اجتماعی از قبیل «جامعه‌مشرک، همشینی با دوستان ناباب و حاکمیت سیره غلط آباء و اجدادی» مهم‌ترین دلایل هدایت‌ناپذیری انسان در قرآن معرفی شده‌اند، که باید به‌عنوان چالشی جدی در هدف‌گذاری برنامه درسی تربیت دینی مورد توجه قرار گیرند. در نهایت، اشرفی، کیهان، ملکی و یاری (۱۴۰۰) به طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی تربیت دینی در دوره پیش‌دبستانی پرداختند. نتایج نشان داد هدف‌غایی، شکوفایی

فطرت کودک و زندگی پاک است. محتوای آموزشی باید مبتنی بر آموزه های دینی و اهداف آموزشی بوده و از طریق فعالیت های تدریس-یادگیری متناسب با علایق و نیازهای رشدی کودکان توسط مربی دارای صلاحیت های اخلاقی-اعتقادی و حرفه ای در اختیار مربی قرار گیرد. مواد آموزشی باید متنوع و به صورت بسته آموزشی انتخاب شود. فضای آموزشی باید دارای امکانات بازی، شاد و با نشاط، محرک حس کنجکاوی کودکان باشد. ارزشیابی باید فرایندی و با استفاده از ابزارهای متنوع مانند مشاهده رفتار، پوشه کار و نظر اولیاء صورت گیرد. با مرور پژوهش های مرتبط با موضوع مورد بررسی از پایگاه های گوناگون، پر واضح است پژوهش در حوزه آسیب شناسی تربیت دینی دوره پیش دبستانی در کشور بسیار ناچیز است. بنابراین این پژوهش سعی دارد با روش پدیدارنگاری با نمونه های متفاوت تصویر جامع تری از آسیب ها را ارائه دهد.

روش شناسی پژوهش

مسئله اصلی پژوهش حاضر، ادراک صاحب نظران و کارشناسان از آسیب های تربیت دینی در دوره پیش از دبستان است. بر این اساس، رویکرد کیفی چارچوب مناسب تری برای تحقق هدف پژوهش است. همچنین از میان طرح های مختلف رویکرد کیفی، روش پژوهشی پدیدارنگاری انتخاب شد؛ چرا که به دنبال احصاء و توصیف عمیق تجارب متفاوت افراد از یک پدیده-آسیب های تربیت دینی دوره پیش دبستانی- است (مرتون^۱، ۱۹۸۸). برای انتخاب مشارکت کنندگان پژوهش، در گام اول با مراجعه به وزارت آموزش و پرورش، موضوع و اهداف پژوهش با مدیر کل دوره پیش دبستانی در میان گذاشته شد. سپس با هماهنگی مدیر کل دوره پیش دبستانی با ۲ نفر از کارشناسان خبره این وزارتخانه مصاحبه صورت گرفت. در گام بعدی دفتر هماهنگی برون سازمانی دوره پیش دبستانی لیست منتخبی از کارشناسان خبره این حوزه در سطح کشور را معرفی نمودند. برای انتخاب مشارکت کنندگان، این ملاک ها مدنظر بود: ۱) کارشناس دوره پیش دبستانی باشد؛ ۲) کارشناس تربیت دینی کودکان پیش دبستانی باشد (۳) فعالیت های علمی و پژوهشی را در زمینه تربیت دینی کودکان پیش دبستانی انجام داده باشد. در نهایت با توجه به ملاک ها ۱۳ نفر انتخاب شدند. سپس پژوهشگر، از طریق مکاتبه الکترونیکی و تماس تلفنی از تمایل افراد منتخب

1.Marton

برای همکاری‌شان برای انجام مصاحبه پژوهش جو یا شد. لازم به ذکر است از یکسو بدلیل مسافت دور و پراکندگی مکانی کارشناسان در سطح کشور و از سوی دیگر به دلیل جلب رضایت مشارکت‌کنندگان و دریافت پاسخ متفکرانه و باحوصله آنها در پژوهش، به مشارکت‌کنندگان در انتخاب نحوه مصاحبه اعم از مصاحبه حضوری و غیرحضوری اختیار کامل داده شد. به همین سبب برخی از مصاحبه‌ها حضوری و برخی از مصاحبه‌ها به شیوه غیرحضوری مثل مصاحبه تلفنی و مکاتبه ایمیلی صورت گرفت.

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان پژوهش

مشارکت‌کننده	پست سازمانی	استان	مشارکت‌کننده	پست سازمانی	استان
اول	رئیس گروه آموزش پیش دبستان وزارت آموزش و پرورش	تهران	نهم	کارشناس دوره پیش دبستانی	کردستان
دوم	رئیس گروه طرح و برنامه دفتر پیش دبستانی وزارت آموزش و پرورش	تهران	دهم	کارشناس دوره پیش دبستانی	قم
سوم	رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی	تهران	یازدهم	کارشناس دوره پیش دبستانی	خراسان جنوبی
چهارم	کارشناس دینی سازمان پژوهش و برنامه ریزی	تهران	دوازدهم	کارشناس دوره پیش دبستانی	مازندران
پنجم	معاون دفتر آموزش پیش دبستانی	چهارمحال بختیاری	سیزدهم	کارشناس دوره پیش دبستانی	تهران
ششم	مدیر و موسس مهد کودک و فعال در حوزه کودک	تهران	چهاردهم	کارشناس و مولف کتاب های دوره پیش دبستانی	تهران
هفتم	فعال در زمینه کودک آموزگار و مولف و مدرس پیش دبستان	تهران	پانزدهم	کارشناس دوره پیش دبستانی	تهران
هشتم	کارشناس دوره پیش دبستانی	خوزستان			

در این پژوهش از مصاحبه نیمه ساختاریافته برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. برای هدایت نظام یافته مصاحبه‌ها، پروتکل مصاحبه‌گری تنظیم گردید. بعد از مرحله یخ شکنی رابطه و اعتمادسازی، مصاحبه با این سوال کلی "تربیت دینی دوره پیش‌دبستانی در کشور با چه آسیب‌هایی روبه‌رو است؟" آغاز شد و سپس با سوال‌های کنکاشی ادامه یافت. همچنین برای دریافت پاسخ فکورانه و جلب مشارکت بهتر مشارکت‌کنندگان، به مشارکت‌کنندگان در انتخاب شیوه‌های پاسخگویی غیرحضور (تماس تلفنی، مکاتبه اینترنتی و امثال اینها) اختیار کامل داده شد. در مصاحبه‌ها از شیوه یادداشت‌برداری و ضبط گفتگوها استفاده شد. دامنه زمانی مصاحبه‌ها از ۱۵ تا ۵۰ دقیقه در نوسان بود. پس از گردآوری داده، نسبت به پالایش، بازخوانی، دسته‌بندی و ارائه یافته‌ها از طریق فن تحلیل محتوای کیفی متن مصاحبه‌ها اقدام شد. برای این منظور اقداماتی نظیر انجام مصاحبه با مشارکت‌کنندگان، مرور یادداشت‌های تدوین شده بلافاصله بعد از انجام هر مصاحبه برای تعدیل و تکمیل مطالب یادداشت شده و همچنین کدگذاری، صورت پذیرفت. در پژوهش حاضر، داده‌های حاصل از یادداشت‌برداری‌های به عمل آمده از مصاحبه‌ها، خط به خط خوانده شده و سپس مفاهیم و جملات اصلی، استخراج و مقوله‌ها تشکیل شد و در نهایت دسته‌بندی شدند. اشتراوس و کوربین (۱۳۹۱)، کفایت فرایند پژوهش و ریشه داشتن یافته‌ها در واقعیت را از مهمترین معیارهای بررسی اعتبار پژوهش می‌دانند. در این پژوهش جهت کسب اطمینان در رابطه با کفایت فرایند پژوهش، مراحل انجام کدگذاری و استخراج مفاهیم و مقوله‌ها با نظارت دو نفر از پژوهشگران کیفی صورت گرفت. همچنین به منظور بررسی قابلیت اعتماد یا همان ریشه داشتن یافته‌ها در واقعیت، نتایج به دست آمده از مصاحبه در اختیار مصاحبه‌شونده قرار گرفت تا درباره صحت آن‌ها اعلام نظر کند. گابا و لینکلن (۱۹۸۹) علاوه بر دو شاخص فوق، دو شاخص دیگر را نیز معرفی کرده‌اند: قابلیت تصدیق و قابلیت تعمیم. قابلیت تصدیق به اتخاذ دیدگاه عینی از طرف پژوهشگر و پرهیز از سوءگیری اشاره دارد. در این راستا همه داده‌ها و مفاهیم می‌بایست قابل ردیابی در منبع اولیه باشند بر این اساس تمامی مصاحبه‌ها توسط پژوهشگر بر روی کاغذ پیاده شد و تمامی مفاهیم استخراج شده در متن مصاحبه قابل ردگیری است که نمونه‌هایی از آن‌ها در قسمت یافته‌ها ارائه شده است. جهت افزایش قابلیت انتقال به موقعیت‌های دیگر روش "نمونه

گیری هدفمند" مورد استفاده قرار گرفت تا با استناد به آن بتوان از امکان سرایت دادن یافته‌ها به گروه‌های مورد نظر اطمینان یافت (فلیک، ۱۳۹۱).

سؤال پژوهش

۱- تربیت دینی دوره پیش دبستانی در کشور با چه آسیب‌هایی روبه‌رو است؟

یافته‌های پژوهش

آسیب‌های درون سازمانی

الف) آسیب‌های مربوط به نیروی انسانی و مربیان

متخصصان و کارشناسان مصاحبه شونده پژوهش حاضر، لزوم توجه به آسیب‌های مربوط به مربیان را یکی از ارکان موفقیت در تربیت دینی کودکان پیش دبستانی برشمرده‌اند و اذعان داشته‌اند در صورتی که به این آسیب به طور جدی پرداخته نشود پیامدهای جبران‌ناپذیری بر پیکره دوره پیش دبستانی و تربیت دینی کودکان وارد خواهد نمود. به جرات می‌توان ادعا کرد که حدود ۹۰ درصد مصاحبه شونده‌گان به نوعی به نقش تعیین کننده مربیان در امر تربیت دینی کودکان پیش دبستانی اشاره نموده‌اند و اعتقاد داشتند آسیب در این زمینه می‌تواند کل فرآیند تربیت دینی کودکان را با مشکل مواجه سازد. به همین سبب از بین ۱۵ نفر مصاحبه شونده‌گان، ۱۱ نفر آنها به نقش آسیب‌های مربوط به مربیان اشاره کردند که به اعتقاد ۸ نفر از این ۱۱ نفر، یکی از این آسیب‌ها «نبود نیروی انسانی آزموده، حرفه‌ای و الگو» در دوره پیش دبستانی است. به اعتقاد مصاحبه شونده‌گان در حال حاضر مربیانی که دوره دیده و برای بچه‌ها الگو باشد نداریم. همچنین به نظر ۴ نفر از این کارشناسان و متخصصان دینی، آسیب بعدی مربوط به این حوزه «عدم رعایت شایسته سالاری در جذب مربیان» است که بیان نموده‌اند که برخی از همکارانشان بدون شایستگی به عنوان مربی دوره پیش دبستانی استخدام می‌شوند که به هیچ عنوان شایستگی سپردن مسئولیت تربیت دینی کودکان نیستند و در ادامه اظهار کردند که این پدیده را در طول سال‌های تجربه مربیگری در مراکز مختلف پیش دبستانی به کرات مشاهده نموده‌اند. به نظر آنها تا زمانی که با این پدیده مقابله نشود تحقق اهداف تربیت دینی کودکان پیش دبستانی به دشواری صورت خواهد گرفت.

از جمله دیگر آسیب‌ها مربوط به مریبان از دید متخصصان و کارشناسان پژوهش حاضر می‌توان آسیب‌های «عدم نظارت و پایش صحیح عملکرد مریبان»، «عدم شفافیت مفاهیم مرتبط با تربیت دینی برای مریبان»، «بی‌توجهی به عوامل انگیزشی مریبان؛ حقوق و رضایت شغلی»، «نا مشخص بودن ویژگی‌های مریبانی که قرار است به تربیت دینی کودکان بپردازند» را نام برد. در این زمینه توجه به نکات اشاره شده توسط چند نفر از کارشناس و متخصص دینی مشارکت‌کننده، می‌تواند بخشی از واقعیت موجود را بازنمایی نماید:

۱) نبود نیروی انسانی آزموده، حرفه‌ای و الگو

"مریبان دوره پیش‌دبستانی که باید الگو باشند نداریم باید اول از هر چیزی مریبانی داشته باشیم که دین در خود آنها نهادینه شده باشند تا بتوانند الگوی معتبری باشد..." (کد شماره ۲)؛ "...مریبان ما باید خیلی توانمند باشند خیلی حرفه‌ای شوند ما یک دوره نمی‌ذاریم که یک الزاماتی داشته باشند و بگذرانند تا بعد اون نگرش تربیت دینی را پیدا کنند وقتی اون نگرش را پیدا کنند می‌تونند کار کنند... تا نگرش تربیت دینی نداشته باشند ما نمی‌تونیم کسی را تربیت کنیم..." (کد شماره ۹)؛ "مریبی که بدون دوره دیدن میاد، مریمی که خودش ناتوانمنده، ناکارآمده و ضعف اعتقادات داره چطور الگو باشه؟" (کد شماره ۸).

۲) عدم رعایت شایسته‌سالاری در جذب مریبان

"... در نظام‌های آموزشی پیشرفته، مریبان دوره پیش‌دبستانی به دلیل حساسیت فوق‌العاده آن، از شایستگی‌های خاصی برخوردارند. در واقع، مجرب‌ترین مریبان وارد دوره پیش‌دبستانی می‌شوند؛ چرا که بنیان‌های ادامه زندگی در این دوره خاص شکل می‌گیرد... در ایران، نظام شایستگی‌های حرفه‌ای مریبان پیش‌دبستانی هنوز جامعیت لازم را ندارد... بسیاری از این مریبان بر اساس استانداردهای جهانی مورد سنجش قرار نمی‌گیرند..." (کد شماره ۵).

۳) عدم نظارت و پایش صحیح عملکرد مریبان

"از نظر من پیش‌دبستانی رها شده است هیچ نظارتی به عملکرد مریبان ندارند اینکه من یک بخشنامه به مریمی بدم و مریمی جوابمو بده و چهارتا عکس برا من بگیره و بفرسته و چهارتا جشنواره برای من برگزار کنه آیا این یعنی نظارت؟ کیفیت بخشی؟ من به این باور ندارم اصلاً به این موضوع باور ندارم..." (کد شماره ۸).

۴) عدم شفافیت مفاهیم مرتبط با تربیت دینی برای مربیان

"متأسفانه مربیان دوره پیش دبستانی ما نمی‌دونن تربیت چیست؟ تربیت دین چی هست؟ اصلاً کودک چی هست چه ویژگی‌هایی دارد؟ باید سیاستگذاران مفاهیم را برای مربیان مشخص کنند مربیان بدوند که وقتی میگیم تربیت دینی، تربیت و دوره کودکی منظور چیست؟ الان تو کشور هر مرکز پیش دبستانی یک تعریفی از تربیت و تربیت دینی داره باید مفاهیم تعریف مشخصی داشته باشه..." (کد شماره ۴).

۵) بی‌توجهی به عوامل انگیزشی مربیان؛ حقوق و رضایت شغلی

"... شما می‌دونین دیگه قشر معلمان حقوقشون چجوریه، چجوری پرداخت میشه، وضعیت معلمان به لحاظ حقوقی اصلاً مناسب نیست. مربیانی داریم که ماهها حقوق نگرفتند چطور وقتی رضایت شغلی ندارند می‌خواهیم تربیت دینی را سامان بدهیم؟ همچنین مربی با جان و دل بچه‌ها را تربیت نخواهد کرد..." (کد شماره ۷) مربی که ناامیده از فرمایش چون مربی پیش دبستانی نمیدونه بالاخره استخدام رسمی میشه یا نه. مربی که از فردای خودش خبر نداره و یک روز هست یک روز نیست چطور می‌خواد بچه‌ها را تربیت کنه؟ با چه انگیزه‌ای؟ آیا انگیزه‌ای برایش می‌مونه؟..." (کد شماره ۸).

۶) نامشخص بودن ویژگی‌های مربیانی که قرار است به تربیت دینی کودکان بپردازند

"سیاستگذاران تربیت دینی علاوه بر تدوین چارچوب محتوا در تربیت نیروی انسانی هم بصورت جدی تر بهش بپردازند و چارچوب‌ها رو مشخص کنند مثلاً کسی که می‌خواهد مربی کودک بشه در بعد تربیت دینی باید دارای چه ویژگی‌هایی باشه؟ اینجوری باشه مسائل تربیت دینی راحت‌تر پیش خواهد رفت... متأسفانه در سیاستگذاری هامون در این مقوله سیاست شفاف و روشنی نداریم..." (کد شماره ۱).

ب) آسیب‌های مربوط به هدف‌گذاری تربیت دینی کودکان

دیگر حوزه آسیب در سیاستگذاری‌های برنامه درسی تربیت دینی کودکان پیش دبستانی که در نتیجه پدیدارنگاری پژوهش حاضر مشخص شد، آسیب‌های مربوط به «هدف‌گذاری» تربیت دینی کودکان است. بیش از نیمی از مشارکت‌کنندگان (۹ نفر از پانزده نفر) آسیب‌های موجود در

«هدف‌گذاری» تربیت دینی را یکی از دلایل عمده عدم موفقیت در تربیت دینی کودکان دانستند. به گفته این کارشناسان و متخصصان دینی یکی از این آسیب‌ها در هدف‌گذاری برنامه درسی تربیت دینی «اهداف آرمانی و غیرکاربردی» اهداف تربیت دینی کودکان است. به اعتقاد این ۹ نفر برای کودکان دوره پیش‌دبستانی بسیار مهم است که اهداف دینی عینی باشد نه انتزاعی، اهداف دینی عاطفی تر باشد نه شناختی، اهداف دینی کاربردمحور در زندگی باشد نه حافظه محور. زیرا کودکان در سن دوره پیش‌دبستانی نیاز به عمل کردن و دوستی و محبت دارند و زیبایی‌ها را دوست دارند. این آسیب نیز خود بیانگر آسیب بعدی است مشارکت‌کنندگان بیان کردند یعنی «عدم توجه به ابعاد روانشناختی کودکان» در هدف‌گذاری. کارشناسان و متخصصان دینی پژوهش این هشدار را دادند که بی‌توجهی به این آسیب بی‌شک تمام تلاش‌های تربیت دینی را بی‌ثمر خواهد کرد و شاید تربیت دینی به همان شعار زدگی که یکی از مشارکت‌کنندگان معتقد بود، دچار شود. دو نفر از مصاحبه‌شوندگان افزون بر دو آسیب فوق به دو آسیب دیگر نیز اشاره کردند که یکی از آنها آسیب «عدم وحدت و یکپارچگی اهداف» که نوعی سردرگمی را بوجود آورده است؛ به نظر یکی از کارشناسان باید اهداف در راستای شجره طیبه حرکت کند زیرا آرمان‌تعلیم و تربیت کشور بر همان مبنا است و دیگر متخصص پژوهش حاضر نیز معتقد بود مراکز پیش‌دبستانی ما هرکدام دنبال اهداف خاص خود هستند همه از برنامه مصوب شورای عالی پیروی نمی‌کنند که این آشفتگی بزرگترین آسیب در تربیت دینی کودکان است که هر کسی به هر جهتی حرکت می‌کند. دو نفر از مشارکت‌کنندگان معتقد بودند یکی از آسیب‌ها در حوزه اهداف «تاکید زیاد اهداف تدوین شده به حیطه شناختی و غفلت از حیطه عاطفی» است. بیان داشتند برای تحقق اهداف تربیت دینی باید سیاستگذاران به جنبه عاطفی تربیت توجه کنند. این مساله در دوره کودکی و پیش‌دبستانی بسیار حائز اهمیت است.

۱) اهداف آرمانی و غیرکاربردی

"کودک را با ابواب بهشت و جهنم و وعده‌های ندیده و تشویق‌های صدسال بعدی، نخریم و نترسانیم... باید به صورت عملی بیاموزیم که با کارهای نیکو و عمل آنها به شکل صحیح، مدارج بالای انسانیت و رسیدن به فطرت را طی خواهد کرد..." (کد شماره ۱۵).

۲) عدم توجه به ابعاد روانشناختی کودکان

"اگر بخواهیم با توجه به ابعاد روانشناختی کودکان اهداف را برنامه ریزی کنیم باید به جنبه رشدی کودکان توجه ویژه ای داشته باشیم به عنوان مثال تصویر سازی ذهنی کودکان یکی از این مسائل است که باید توجه کنیم بینیم کودکان مفاهیم خدا، فرشته، شیطان را چگونه تصویرسازی می کنند و چه تصویری از آنها دارند متأسفانه در برنامه ها به این مسائل توجه نمی شود..." (کد شماره ۱۳).

۳) عدم وحدت و یکپارچگی اهداف

"...متأسفانه ما در پیش دبستانی های کشور شاهدیم که اهداف یکسانی را دنبال نمی کنند و به عبارتی می توان گفت هرکی به هرجهتی است اینم به این خاطر است که کسی از برنامه مصوب شورای عالی تاثیر نمی پذیرد..." (کد شماره ۴) "آرمان های تعلیم و تربیت کشور ما بر مبنای شجره طیبه است بنابراین اهداف دوره همه مراکز پیش دبستانی هم باید بر همین مبنا باشد و همه از آن پیروی کنند که من این را مشاهده نمی کنم..." (کد شماره ۲).

۴) تأکید زیاد به حیطه شناختی و غفلت از حیطه عاطفی

"برنامه های انس با قرآن در حوزه تربیت دینی متأسفانه بد متوجه شده است ما می بینیم که برنامه های انس با قرآن شده فقط آموزش صرف قرآن و این خود یکی از آسیب های جدی تربیت دینی است که بجای انس با قرآن، قرآن آموزش داده می شود..." (کد شماره ۱۱) "آنچه غالباً در مدارس از کتاب های درسی بویژه تربیت دینی مشاهده می شود معمولاً در همان سطح اولیه دانستن و حفظ کردن متوقف می شود... استفاده از روش های منفعلانه و حفظ طوطی وار مطالب و یادگیری سطحی و کلیشه ای کمترین تاثیر را در تربیت دینی کودکان دارد..." (کد شماره ۱۴).

ج) آسیب های مربوط به محتوا و شیوه های ارائه آن به کودکان

در پژوهش حاضر حدود ۹۰ درصد (۱۱ نفر از پانزده نفر) از شرکت کنندگان در مصاحبه یکی از آسیب های تربیت دینی کودکان پیش دبستانی مربوط به محتوا و شیوه های ارائه آن می دانستند. به نظر می رسد بعد زیبایی شناسی در تربیت دینی کودکان و به طور کلی در دوره پیش

دبستانی یکی از بحث‌های مهم و جدی این روزهای متخصصان و کارشناسان حوزه تربیت دینی کودکان است. چرا که ۸ نفر از یازده نفر یعنی حدود ۹۰ درصد قائلان به آسیب در زمینه محتوا به «عدم توجه به زیبایی شناسی در انتخاب و ارائه محتوای دینی» اشاره کردند و حدود نیمی از این ۱۱ نفر یعنی ۷ نفر معتقد بودند «تک بعدی و غیرکاربردی بودن محتواها و روش‌ها» دیگر آسیب جدی است. آسیب بعدی کشف شده از منظر چهار نفر از مشارکت‌کنندگان در پژوهش، آسیب «آشفتگی در تولید محتوا؛ نبود محتوای یکپارچه، نبود مصداق تربیت دینی» است. که این آسیب سبب شده بین مربیان در مراکز پیش دبستانی مختلف نوعی آشفتگی و سردرگمی مشاهده شود. به نظر یکی از مشارکت‌کنندگان برخی از مراکز پیش دبستانی و مربیان آنها محتوای مصوب شورای عالی را لحاظ نمی‌کنند و این خود یک مسأله‌ای است که باید به آن توجه کرد و ساز و کار لازم برای تولید محتوای یکسان ارائه شود. اما آخرین آسیب اشاره شده «نادیده گرفتن ویژگی‌های کودکان (فرهنگ، ادبیات و روانشناسی) در انتخاب و شیوه ارائه» است که این آسیب هم یکی از آسیب‌های مهم در زمینه محتوا و شیوه‌های ارائه محتوای دینی است که سیاستگذاران باید به آن توجه ویژه‌ای نمایند. در این میان سه نفر از متخصصان و کارشناسان پژوهش حاضر نیز تلفیقی عمل نکردن در زمینه محتوا را دیگر آسیب مهم در زمینه محتوا برشمردند زیرا معتقدند بودند که در تربیت دینی باید برای اینکه دین در همه زمینه‌های زندگی جاری و ساری شود بهتر است محتوا تلفیقی شود و از تفکیک محتوا پرهیز کرد. در ادامه نمونه گفته‌های مصاحبه‌شوندگان از این آسیب‌ها ذکر شده تا درک بهتری حاصل شود.

(۱) عدم توجه به بعد زیبایی شناسی در ارائه محتوای دینی در مدارس

معمولاً نمازخانه‌ها باید زیباترین، تمیزترین مکان در مدرسه باشد تا کودکان با میل و رغبت بروند البته نمازخانه‌ها به عنوان مکان دینی استفاده نمی‌شود. گاهی سالن ورزشی است گاهی برای برگزاری جلسه ویژه اولیا گاهی سالن امتحانات. درحالی که یکی از آسیب‌های تربیت دینی همین نحوه عرضه می‌باشد. لذا طبیعی است که کودکان تمایلی به اعمال دینی در مکان‌های مذهبی نداشته باشند. انتظار می‌رود متولیان تعلیم و تربیت از حس زیباشناسی نرسن و اجازه دهند دین به زیباترین شکل خود عرضه شود... "(کد شماره ۱۴).

۲) تک بعدی و غیر کاربردی بودن محتواها و روش‌ها

"محتوای ما به سمت دانش و کتاب رفته... ما یک کاربرگ به بچه داده ایم و می‌خواهیم با این کاربرگ بچه‌ها تربیت دینی شوند ما فقط با کتاب و کاربرگ نمی‌توانیم بچه‌ها را تربیت و تربیت دینی کنیم... محتواهایی که ما داریم یک روزه است یعنی مثل یک واکسنی است که بزنیم و بره اصلاً فکر نمی‌کنیم که بچه قرار است چی بشه... باید محتواهایی که در تربیت دینی استفاده می‌کنیم مهارت محور باشد و به در زندگی به دردش بخوره برای اینکار محتوایی که استفاده می‌کنیم برای بچه عملی باشه یعنی در عمل استفاده انجام بده مثلاً وقتی می‌خواهیم بچه‌ها صبوری را یاد بگیرند باید موقع توصیف و ایسادن عجله نکنند و صبر کنند تا نوبتشان شود..." (کد شماره ۹)

"... الان من احساس می‌کنم که یکی از آسیب‌های جدی که در زمینه تربیت دینی در پیش دبستانی وجود داره نبودن محتوای مناسب است بطوری که فقط به صورت وصله پینه اومدن و در هر کتابی هم یک بخشی رو گذاشتن میخوان بگن که ما به دین توجه کرده‌ایم. بچه‌ها چرا خدا روشکر می‌کنیم؟ و یا از بچه‌ها بخواهیم که سوره‌ها را حفظ کنند و یا در تعبیری که از بهشت و جهنم برای کودکان انجام می‌دهیم..." (کد شماره ۱).

۳) آشفتگی در تولید محتوا؛ نبود محتوای یکپارچه، نبود مصداق تربیت دینی

"مراکز پیش دبستانی یکدست نیستند یعنی هر مرکز پیش دبستانی برای خودش کار می‌کند و یک محتوای یکسانی ندارند متأسفانه مراکز پیش دبستانی ما یک آشفتگی در تولید محتوا دارند علتش هم اینه که برنامه مصوب شورای عالی را اجرا نمی‌کنند لازم است بین بهزیستی و وزارت آموزش و پرورش مجدداً یک توافق نامه‌ای به امضا برسد که هرکسی که مجوز می‌خواهد تعهد بدهد که برنامه مصوب شورای عالی را عمل کند..." (کد شماره ۴)

"ما در تولید محتوا به شدت با آشفتگی مواجه ایم و به نظر من فکر کنم یکی از علت‌هاش نبودن مصداق از مفاهیم تربیتی است مثلاً این مفهوم که «به پدر و مادر خود نیکی کنید یعنی چه؟» آیا این مفهوم همان مفهومی است که ژاپنی‌ها از نیکی به پدر و مادر دارند؟ سیاستگذاران ما باید مصادیق را مشخص کنند که همه مربیان پیش دبستانی در همان راستا حرکت کنند یا همه بدانند که منظور از نیکی به پدر و مادر چیست نه اینکه هر مربی یک تعریفی از نیکی به پدر و مادر داشته باشد و براساس آن بچه‌ها را تربیت کند" (کد شماره ۸).

۴) نادیده گرفتن ویژگی‌های کودکان (بسترهای فرهنگ، ادبیات کودکان و روانشناختی) در محتوا و شیوه ارائه

"وقتی سیاست‌گذاران برنامه‌ای مدون و شفاف می‌نویسند باید با توجه به ویژگی‌های بچه‌ها بنویسند و متناسب با ویژگی‌های فرهنگی و بومی بنویسند... برنامه‌ای که اینجا می‌نویسیم برای بچه‌های تهران قطعاً با اون برنامه‌ای تو خراسان رضوی تو شهر مذهبی و یا اون بچه‌ای که لب مرز سیستان هست تو تربیت دینی تفاوت‌هایی وجود داره چون زمینه‌های فرهنگی‌شون متفاوت... "(کد شماره ۱) "کودکان و به طور کلی دوره کودکی ویژگی‌های خاص خود را دارد که باید به آن توجه شود مثلاً کودکان ادبیات خاص خود را دارد که باید به این ادبیات کودک توجه شود ادبیات کودکان که ویژگی‌های خیال‌پردازی، بیان هنرمندانه و واداشتن به تفکر را داشته باشد..." (کد شماره ۱۴).

۵) تلفیقی نبودن محتوا

"عمده مشکل ما در بحث محتوای تربیت دینی اینه که ما محتواها مون را تلفیقی نکردیم. ما در دوره پیش‌دبستانی اهداف یازده گانه داریم از این اهداف یازده گانه دو تا اهدامون به بحث تربیت دینی را جدا کردیم. این جدا کردن به محتوا، روش و ... هم سرایت می‌کند در صورتی که این خودش یک آسیب جدی در فرایند تربیت دینی است.." (کد شماره ۹).

آسیب‌های برون سازمانی

در عوامل برون سازمانی یکی از رکن‌هایی که در موفقیت و عدم موفقیت سازمانها تاثیر مستقیمی دارد رکن مدیریتی سازمان است. به همین سبب در گام اول این بخش به آسیب‌های مدیریتی که از مصاحبه کارشناسان و متخصصان دینی اشاره شد آمده است و در بخش دوم آسیب‌های مربوط به سیاست‌های فرهنگی - اجتماعی ذکر شده است.

الف) آسیب در بخش سیاست‌های مدیریتی

متخصصان و کارشناسان پژوهش حاضر نیز خیلی دغدغه مسائل مدیریتی داشتند و به همین سبب هم در زمینه سیاست‌های مدیریتی هشت مورد آسیب شناسایی شد که جای تامل و تعمق

دارد. از پانزده نفر مشارکت کننده ۱۰ نفر در زمینه سیاست‌های مدیریتی آسیب‌هایی را ذکر کردند که نمونه‌هایی از روایت آنها به شرح ذیل است:

(۱) رسمی و الزامی نبودن دوره پیش‌دبستانی

"دوره پیش‌دبستانی در ایران یک دوره الزامی نیست یعنی یک دوره ای نیست که اجباری باشد و همه این دوره را جدی بگیرند وقتی دوره پیش‌دبستانی یکی از پایه‌های تحصیلی دوره ابتدای الزامی بشه بسیاری از آسیب‌های دوره پیش‌دبستانی در مسیر تربیت دینی خود به خود بر طرف خواهد شد..." (کد شماره ۱۱).

(۲) نبودن متولی خاص دوره پیش‌دبستانی

"مراجع متعدد و متنوع آموزش‌دهنده کودکان نیز که از قوانین و سیاست‌های واحدی تبعیت نمی‌کنند و هر یک بر اساس سیاست‌گذاری مرجع مجوزدهنده خود عمل می‌کنند موجب تنوع بسیار در نوع اهداف و فعالیت‌هایی می‌شود که در حوزه تربیت دینی در آموزش پیش از دبستان مد نظر قرار می‌گیرد." (کد شماره ۵).

(۳) عدم نظارت برای اجرای سیاست‌ها

"متأسفانه سیاست‌ها اجرایی نمی‌شود. باید آسیب‌شناسی شود که چرا سیاست‌ها اجرا نمی‌شود؟ ما در حوزه تئوری خوب هستیم یعنی ما برنامه‌های مدون و خوبی طراحی می‌کنیم ولی متأسفانه کسی نیست که این برنامه‌ها و سیاست‌ها را اجرا کند و یا نظارت کند..." (کد شماره ۲).

(۴) نبود چارچوب نظری و عملی مشخص از تربیت دینی کودکان

"در حوزه پیش‌دبستان در زمینه تربیت دینی واقعاً یک کار جدی صورت نگرفته و یکی از بزرگترین آسیب‌هاست متأسفانه یک برنامه درسی مدون و روشن نداریم درسته بخشی با انس با قرآن گذاشتیم و راهنما داریم اما در عمل این اتفاق نمی‌افته و ما یک تفکیک انس با قرآن و تربیت دینی و دیگر مسائل داریم از آسیب‌های جدی که وجود داره اینکه این برنامه‌ای که تدوین میشه چون که چارچوب نداره ضابطه نداره محتوا متناسب با اون طراحی نمیشه یک موسسه ای میاد تشخیص می‌دهد که در حفظ قرآن کار کنه یک موسسه ای میاد ترجیح می‌دهد که با ایما و اشاره آموزش بده قرآن را... هرکسی داره با ظن خود پیش میره... بنابراین تربیت دینی در

دوره پیش‌دبستانی تعریف و جایگاه مشخصی ندارد و چون نمیدانیم که تو تربیت دینی دنبال چه هستیم این باعث شده که نتوانیم روش‌ها و ابزارهای مناسب تربیت دینی پیدا کنیم... " (کد شماره ۱).

۵) آسیب‌های مربوط به مجوز تاسیس مراکز پیش‌دبستانی

"نگاه اقتصادی موسسان مراکز پیش‌دبستانی خودش از آسیب‌های جدی تربیت دینی است زیرا مراکز پیش‌دبستانی‌ها شبیه مراکز بنگاه‌داری شده که متاثر از فضای اقتصادی هستند متاثر شدن از فضای اقتصادی به عنوان یک اصل تمامی فعالیت‌های مراکز پیش‌دبستانی را تحت الشعاع قرار می‌دهد که تربیت دینی کودکان نیز از این اصل مستثنا نیست... " (کد شماره ۴).

۶) اسناد و مقررات

"مسئله دیگر مربوط به اسناد موجود دوره پیش‌دبستانی است. لازم است اسناد و مقررات موجود بر اساس مفروضات سند تحول بنیادین و همچنین یافته‌ها به روز جهانی بازنویسی شوند. امروز در تربیت دینی کودکان یافته‌های بسیاری وجود دارد؛ با این وجود اسناد حاضر همگی قدیمی هستند. بحث دیگری که به کل دوره پیش‌دبستانی بر می‌گردد نبود مشوق‌های مناسب در سیاست‌های موجود است. به عنوان مثال امروز در خصوص محتوای آموزشی مربیان و اولیای کودکان در همه حوزه‌ها به ویژه تربیت دینی در کشور کمبود احساس می‌شود. وجود مشوق‌ها موجب تولید روزافزون محتوا در این خصوص خواهد شد. در حالی که اگر به سیاست‌ها و قوانین مراجعه شود اکثر آنها خشک و به صورت تنبیهی و انضباطی نوشته شده‌اند." (کد شماره ۵).

۷) نبود معیارهای صحیح ارزیابی مراکز پیش‌دبستانی

"متأسفانه در بخش نظارت و ارزیابی مراکز پیش‌دبستانی در همه بخش‌ها ضعف‌هایی داریم... ارزیابی مراکز پیش‌دبستانی به سمت کمیت رفته و از کیفیت غفلت شده... " (کد شماره ۹).

۸) نبود زیرساخت‌های تربیت دینی؛ امکانات

"...متأسفانه ما در دوره پیش‌دبستانی زیرساخت‌های لازم را نداریم زیرساخت‌ها هم به لحاظ سخت‌افزاری و هم به لحاظ نرم‌افزاری. وقتی ما مربی نداریم که خودش الگوی دینی نباشد نداریم چطور می‌خواهیم تربیت دینی کنیم؟ وقتی هنوز دانش‌آموزان در کانکس‌ها کلاس برگزار می‌کنند چطور تربیت دینی داشته باشیم؟.. " (کد شماره ۲).

۹) نامشخص بودن جایگاه دوره پیش از دبستان در سیاستگذاری

متأسفانه برنامه ریزان، نیازهای دوره پیش دبستانی را اولویت بندی نکرده اند. به عنوان مثال مشخص نشده است که تربیت دینی کودکان پیش دبستانی اولویت چندم است؟ اگر تربیت دینی در اولویت اول است پس بودجه را نیز باید متناسب با آن پیش بینی کرد. به اعتقاد مشارکت کننده (۶) نمی شود تربیت دینی در اولویت اول باشد اما کمترین بودجه را به آن اختصاص دهند.

ب) آسیب‌ها در بخش سیاست‌های فرهنگی - اجتماعی

سیاست‌های فرهنگی - اجتماعی یک سازمان را می توان به عنوان تسهیل‌گر دستیابی به اهداف سازمان معرفی کرد؛ زیرا سیاست‌های فرهنگی - اجتماعی در مقبولیت و عدم مقبولیت برنامه‌ها و اهداف یک سازمان نقش بسزایی دارد. شاید به همین جهت باشد که برخی از متخصصان و کارشناسان این بخش از آسیب‌های موجود را، دلایل کم اثر بودن برنامه تربیتی و بویژه تربیت دینی به کودکان دانستند. از نظر ۱۰ نفر از ۱۵ نفر مشارکت کننده، آسیب‌های موجود در سیاست‌های فرهنگی - اجتماعی مربوط به حوزه «خانواده» است. آسیب‌های مربوط به حوزه خانواده که از مصاحبه‌های مشارکت کنندگان کشف شد عبارتند از:

۱) شکاف بین دیدگاه تربیتی خانواده کودکان و سیستم آموزشی

"از سوی دیگر تعارض بین خانواده ها و مدرسه زیاد است باید در ارتقای خانواده ها و نزدیک کردن آنها به دوره پیش دبستانی و دیدگاه تربیتی که دوره پیش دبستانی نظام آموزش دارد باید سرمایه گذاری کنیم تا این تعارض و شکاف برطرف شود باید نهاد ها تلاش کنند هر نهادی به سهم خود قوه قضائیه قوه مجریه قوه مقننه ... "(کد شماره ۲).

۲) عدم پیش بینی کودکانی که مشکلات دارند؛ مشکلات خانوادگی، اقتصادی و ...

"من وقتی بچه گرسنه تو کلاس دارم گرسنه میاد سر کلاس من میشینه چطور آموزش دین بدم؟ بچه هایی داریم که تو زمستون کاپشن نداره بچه میاد میگه خانم بیخشید سردمه... خب دین و ایمون میمونه واسمون؟ خب من چکار کنم؟. بچه های که از خانواده طلاق هستند مشکلات زیادی دارند... مربی چکار کنه؟ چطور آموزش دین بده؟ باید این مشکلات پیش بینی شود و راهکار ارائه شود"(کد شماره ۸).

۳) عدم پیش‌بینی نقش سایر نهادهای اجتماعی در مسیر تربیت دینی کودکان؛ خانواده، رسانه
 "در خانواده‌های جوان رنگ دین کمرنگ است بنابراین برنامه ریزی برای تربیت دینی باید
 طوری ارائه شود که خانواده‌ها و نقش آنها در مرکز ثقل قرار گیرد... خانواده‌ها به خاطر کودکان
 مورد توجه قرار گیرد زیرا کودکان بعد از ظهوری دین را از آنها یاد می‌گیرند..." (کد شماره ۱۳).
 ۴) معرفی و الگوسازی نکردن قهرمان‌های معاصر که مظهر انسانیت، ایمان به خدا و امثال اینها،
 برای کودکان

"در بخش الگو سازی به خوبی عمل نشده باید الگو و قهرمان سازی برای کودکان داشته
 باشیم علاوه بر قهرمانان تاریخ به قهرمانان معاصر نیز نیاز داریم و معرفی کنیم که کودکان آرزو
 کنند مثل آن قهرمان باشند. همین الان تختی، پوریای ولی، پروفیسور سمیعی اینا رو کی
 میشناسه؟ چند نفر دوست دارند مثل تختی، سمیعی و ... بشه؟ اینا الان برای بچه‌های ما الگو نیست
 نداریم ما قهرمان سازی نکردیم الگوسازی نکردیم... وقتی الگو نداریم دنبال چی میگردیم؟ یک
 زمانی شهید آوینی رو داشتیم الگو بود ولی الان الگو نداریم. آیا الان کسی هست که بچه‌ها آرزو
 داشته باشند مثل آن شخص بشه؟ وقتی ما الگو نداریم امثال ساسی مانکن الگو میشه... (کد شماره
 ۷).

نتیجه‌گیری

سرمایه‌گذاری در مراکز پیش از دبستان به معنای تربیت خلاق، هدفمند و آگاه آینده هر ملت
 و عامل بازدارنده بسیاری از آسیب‌های اجتماعی است (آخش، حسینی خواه، عباسی و موسی پور،
 ۱۳۹۵). هدف از انجام پژوهش شناسایی آسیب‌ها در حوزه تربیت دینی در دوره پیش‌دبستانی بود.
 نتایج حاکی از آسیب‌های جدی و اساسی در دو بعد درون‌سازمانی و برون‌سازمانی است. در بعد
 درون‌سازمانی، مصاحبه‌شوندگان آسیب‌ها را در سه زمینه معرفی کردند. اولین و مهم‌ترین
 آسیب‌ها در بعد درون‌سازمانی مربوط به مربیان پیش‌دبستانی بود؛ این آسیب‌ها عبارت است از:
 فقدان مربیانی که الگو باشند؛ دوره دیده و کارآزموده باشند، عدم رعایت اصل شایسته‌سالاری در
 جذب مربیان، نبود نظارت و پایش صحیح و اصولی به عملکرد مربیان، شفاف نبودن و یا درک
 ناصحیح مربیان از مفاهیم مرتبط با تربیت دینی، توجه نکردن به عوامل انگیزشی مربیان در بحث

حقوق و رضایت شغلی، نامشخص بودن ویژگی های مربیانی که قرار است به تربیت دینی کودکان بپردازند. یکی از نکته های مهم قابل ذکر در این بخش این است که تمامی کارشناسان یکی از علت هایی که به آسیب در زمینه مربیان اشاره نموده اند را این می دانند که به نظر آنها کودکان در سن الگو پذیری قرار دارند و الگو در آنها تاثیر بسیار زیادی دارد که تا حدودی موفقیت برنامه های تربیت دینی به همین مربیان پیش دبستانی به عنوان الگوهای کودکان، بستگی دارد (داودی، ۱۴۰۰). ادیب (۱۳۹۰) معتقد است رفتار دینی مربی در درجه نخست به خلق و سیرت مربی بستگی دارد و مربی در اعتقاد و باور خود به آن چه آموزش می دهد باید پای بند باشد. در تبیین اهمیت آن باید گفت مربی مهم ترین رکن اصلی یاددهی - یادگیری است و تحقق بسیاری از اهداف تربیت دینی در گرو تصمیمات معلم است. معلمان می توانند رفتار خود را الگو قرار دهند؛ سپس این الگوها به وسیله مربی درونی می شود. با توجه به اینکه تربیت دینی به شناخت آموزه های دین، تبدیل این شناخت ها به باورهای قلبی و به کار بستن این باورها در رفتارهای فردی و اجتماعی تعریف شده است، معلم می تواند با تقویت روحیه حق گرایی و قدرت تفکر و تشخیص حق از باطل در دانش آموزان، الگودهی رفتاری به آنان و انتخاب شیوه مناسب در بیان آموزه های دینی و پاسخ مناسب به پرسش ها و شبهه ها، نقش مهمی را در تربیت دینی دانش آموزان ایفا کند (عابدی و همکاران، ۱۳۹۷؛ حیدری، ۱۳۹۲؛ اشرفی و همکاران، ۱۴۰۰). از آنجایی که مربیان به عنوان یکی از الگوهای تاثیر گذار در زندگی نوآموزان هستند لازم است سیاست گذاران مربیانی را استخدام کنند که اولاً بر حسب شایستگی استخدام شده باشند؛ بدین منظور می توان از قبل معیارها و ویژگی های مربی تربیت دینی کودکان را مشخص کرد و متناسب با آن استخدام نمود، ثانیاً مربیان را به استخدام رسمی در بیاورند تا در این دوره از مربیان حرفه ای برخوردار باشیم که با تعهد و مسئولیت پذیری زیادی به تربیت دینی کودکان بپردازند، ثالثاً لازم است مربیان که استخدام شده اند به حال خود رها نشوند باید نظارت و پایش صحیح مستمر نسبت به عملکردشان در تربیت دینی کودکان انجام شود؛ به نظر می رسد برای این کار اگر معیارهای مربی مدنظر با مطالعه و بررسی مشخص شود و براساس آن ارزیابی شود بهتر می تواند کمک کند. این نکته یکی از پیشنهاد های پژوهشی برای پژوهشگران آینده است.

دومین زمینه آسیب‌ها در بعد درون‌سازمانی مربوط به اهداف تربیت‌دینی کودکان است. با توجه به نظر کارشناسان آسیب‌های موجود در اهداف تربیت‌دینی کودکان در پنج زمینه شامل؛ غیرکاربردی و آرمانی بودن اهداف است یعنی اهدافی که در زندگی اجتماعی کودکان باشد و به دوره بزرگسالی نیز منتقل شود نیستند، دومین آسیب توجه نکردن به بعد روانشناختی کودکان در هدف‌گذاری است، آسیب بعدی عدم وحدت و یکپارچگی اهداف در راستای تربیت‌دینی و آخرین آسیب در زمینه اهداف این است که اهداف تربیت‌دینی بیشتر به جنبه شناختی تأکید شده و از بعد عاطفی غفلت شده است. آسیب مربوط به هدف‌گذاری در تربیت‌دینی کودکان را می‌توان یکی از آسیب‌های کلیدی در تربیت‌دینی کودکان به شمار آورد؛ چرا که آسیب در زمینه هدف‌گذاری تربیت‌دینی می‌تواند سایر عناصر برنامه درسی تربیت‌دینی را نیز تحت الشعاع قرار دهد (کشاورز، ۱۳۸۷). به عبارت دیگر، هر برنامه‌ای تا زمانی که اهداف تربیتی خود را به خوبی بیان نکند نمی‌تواند در سایر عناصر برنامه مثل محتوا و روش نیز موفق عمل کند. پس اهداف در هر برنامه تربیتی من جمله تربیت‌دینی حلقه‌ای است که سایر عناصر برنامه درسی به آن وابسته‌اند. بنابراین می‌توان گفت برنامه تربیت‌دینی کودکان در زمینه هدف‌گذاری باید اهدافی را انتخاب نمایند که ساده، عینی و کاربردی در زندگی روزمره و متناسب با ابعاد روانشناختی کودکان باشد (اشرفی و همکاران، ۱۴۰۰). از سوی دیگر، معیارهای لازم در تدوین اهداف مانند توالی، استمرار، جامعیت، وسعت، پیوستگی و تعادل مورد توجه قرار گیرد (کشاورز، ۱۳۸۴). سیاست‌گذاران باید تلاش نمایند تا هماهنگی و یکپارچگی بین اهداف و محتوا و روش‌های آموزش ایجاد نمایند تا مراکز پیش‌دبستانی دچار سردرگمی نشوند.

سومین زمینه مربوط به آسیب‌های درون‌سازمانی در زمینه محتوا و شیوه‌های ارائه آن است. در زمینه محتوا و شیوه‌های ارائه آن نیز مثل زمینه اهداف پنج آسیب شناسایی شد که می‌توان به آسیب‌هایی چون عدم توجه به زیبایی‌شناسی در انتخاب و ارائه محتوای دینی؛ تک بعدی و غیرکاربردی بودن محتواها و روش‌ها؛ تأکید به حفظ مطالب نه فهم دین، آشفتگی در تولید محتوا؛ نبود محتوای یکپارچه؛ نبود مصداق تربیت‌دینی، نادیده گرفتن ویژگی‌های کودکان در محتوا و شیوه ارائه و تلفیقی نبودن محتوا را نام برد. همان طور که می‌دانیم عنصر محتوای کتاب درسی به

عنوان اصلی ترین بخش برنامه درسی در آموزش مستقیم مفاهیم، اصول و نگرش‌ها در هر ماده درسی نقش بسیار زیاد بر عهده دارد. بنابراین محتوای مطلوب کتاب‌های درسی می‌تواند متریان را به چالش فکری وا دارد و از جمود فکری رها سازد و پاسخگویی نیازمندی‌های عصر جدید انسانها باشد (عابدی و همکاران، ۱۳۹۷). آسیب‌هایی که در زمینه محتوا و شیوه‌های ارائه محتوا ذکر شد بیانگر چند مساله اساسی است که باید در مورد آنها سیاست‌گذاران تربیت دینی تفکر و تعمق کنند. اولین مساله وجود ضعف‌ها و اشکالات فراوان در حوزه اجرایی برنامه درسی تربیت دینی است. از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان این نتیجه حاصل شد که مریبان پیش دبستانی هنوز آن آمادگی و پختگی لازم برای ارائه محتوای دینی به کودکان ندارند. اگر مربی با روش‌های مناسب تربیت دینی آشنا نباشد و روش مناسب را به کار نگیرد ممکن است آسیب‌های از قبیل ایجاد نفرت، دلزدگی از دین در مربی و آثار سوء تربیتی زیادی به همراه داشته باشد (چراغ چشم، ۱۳۸۶؛ ساجدی، ۱۳۸۶). برخی مشارکت‌کنندگان اشاره داشتند مراکز پیش دبستانی کشور با نوعی آشفتگی و سردرگمی در تولید محتوا روبرو می‌باشند. این عدم آمادگی و پختگی مریبان دلایل خاص خود را دارد که باید سیاست‌گذاران آنها را کشف و برطرف نماید در غیر اینصورت بهترین تصمیم‌ها و اهدافی را هم که تدارک دیده‌اند با شکست مواجه خواهد شد. مساله بعدی به روز نبودن دانش در زمینه محتوا و شیوه‌های ارائه محتوای دینی است. بی توجهی به مساله زیبایی‌شناسی که اکثریت مشارکت‌کنندگان به نوعی به آن اشاره کردند خود گویای این مساله است. علاوه بر توجه به بعد زیبایی‌شناسی باید محتوایی که ارائه می‌شود باید مهارت محور و کاربردی باشد. در این زمینه توجه به فرهنگ و ادبیات و بعد روانشناختی کودکان می‌تواند خیلی کارساز باشد. افزون بر این، به نظر می‌رسد بمنظور تحقق دین محوری در زندگی کودکان باید به صورت تلفیقی عمل نمود و تربیت دینی محدود به یک محتوا و کلاس و یادگیری نباشد تا کودکان به یک بینش جامع و کامل از دین برسند.

در بعد برون سازمانی طبق نظر کارشناسان بطور کلی در دو حوزه مدیریتی و سیاست‌های فرهنگی-اجتماعی آسیب وجود دارد. در حوزه مدیریتی متخصصان و کارشناسان شش آسیب را

برشمردند که این آسیب‌ها حوزه‌های متنوعی از مدیریت را در بر گرفته است از جمله؛ حوزه‌های نظارتی، برنامه ریزی، مالی و امثال اینها را شامل می‌شود. در مجموع آسیب‌های مربوط به حوزه مدیریتی به این شرح است: ۱. رسمی و الزامی نبودن دوره پیش‌دبستانی؛ ۲. نبودن متولی خاص دوره پیش‌دبستانی؛ ۳. عدم نظارت بر اجرای سیاست‌ها؛ ۴. نبود چارچوب نظری و عملی مشخص از تربیت دینی کودکان؛ ۵. آسیب‌های مربوط به مجوز تاسیس مراکز پیش‌دبستانی؛ ۶. اسناد و مقررات؛ ۷. نبود معیارهای صحیح ارزیابی مراکز پیش‌دبستانی؛ ۸. نبود زیرساخت‌های تربیت دینی. آنگونه که از آسیب‌های مربوط به سیاست‌های مدیریتی بدست آمد بیانگر تجدید نظر اساسی در تصمیم‌های کلان است و زمان آن است که سیاست‌گذاران و مسئولان بهتر است تصمیم‌های جدیدی را اتخاذ نمایند؛ زیرا موفقیت سایر پایه‌های تحصیلی به موفقیت دوره پیش‌دبستانی وابسته است. مشخص شد تا زمانی که دوره پیش‌دبستانی زیر نظر یک متولی مشخص به عنوان یک دوره الزامی و رسمی نباشد با هرج و مرج روبه رو خواهد شد و کسی به این دوره و اهدافش با جدیت نگاه نخواهد کرد. در این راستا اقداماتی چون به روز رسانی اسناد و مقررات، تجدیدنظر در معیارهای ارزیابی عملکرد مراکز پیش‌دبستانی و مشخص کردن چارچوب‌های نظری و عملی که همه در راستای آن چارچوب عمل نمایند از ضرورت‌های اساسی است که با یک نظارت صحیح و حساب شده نیز تا حدودی می‌توان آسیب‌های موجود را برطرف نمود و برای تحقق همه این آسیب‌ها باید تصمیم‌گیران کلان‌کشوری امکانات و زیرساخت‌های هرآنچه لازم است را فراهم نمایند زیرا تا زمانی که زیرساخت‌ها آماده نباشد اجرای هر نوع برنامه و فعالیتی برای هر مجری سخت است.

آخرین حوزه آسیب‌ها مربوط به سیاست‌های فرهنگی-اجتماعی در زمینه مدیریتی بعد برون سازمانی است. آسیب‌های این حوزه نیز بر اساس نظر متخصصان و کارشناسان مربوط به وجود تناقض دیدگاه تربیتی خانواده کودکان و سیستم آموزشی، عدم پیش‌بینی کودکانی که مشکلات دارند؛ مشکلات خانوادگی، اقتصادی و ...، عدم پیش‌بینی نقش سایر نهادهای اجتماعی در مسیر تربیت دینی کودکان؛ خانواده، رسانه، ... و معرفی و الگوسازی نکردن قهرمان‌های معاصر که

مظهر انسانیت، ایمان به خدا و امثال اینها، برای کودکان باشد، است. تامل در روایت‌های متخصصان و کارشناسان دینی، مبین حساسیت نهاد خانواده در امر تربیت دینی است. در واقع پذیرش تربیت دینی از سوی متربی در گرو همکاری دو نهاد خانواده و تعلیم و تربیت است؛ اگر بین این دو نهاد همسویی وجود داشته باشد تربیت دینی از سوی متربی مقبولیت بیشتری می‌یابد و تأثیر به سزایی روی ساختار شخصیت متربی خواهد گذاشت. در این حالت اهداف مدنظر تربیت دینی کلید رفتارها و خط مشی‌های نسل نو خواهد بود. از دگر سو، تضاد ارزش‌های اجتماعی خانه یا مدرسه، تأثیر چشمگیری بر میزان هم‌نوایی متربی به خصوص با مدرسه و تربیت دینی دارد. هر چه تضاد بیشتر باشد هم‌نوایی متربی با مدرسه کمتر و سردرگمی و بلاتکلیفی بیشتر خواهد بود (حیدری، ۱۳۹۲). برای موفقیت در تربیت دینی و به طور کلی در هر امر تربیتی بویژه برای کودکان سنین زیر هفت سال هماهنگی و همگامی خانواده کودکان یک امر مسلم و حتمی است که سیاستگذاران تربیتی نمی‌توانند بی تفاوت از آنها بگذرند.

به طور کل، در زمینه همخوانی پژوهش‌ها در مورد آسیب‌های تربیت دینی کودکان پیش‌دبستانی نیز می‌توان به پژوهش‌هایی اشاره کرد از جمله پژوهش (نوذری و شمشیری، ۱۳۹۵؛ چراغ چشم، ۱۳۸۶؛ ساجدی، ۱۳۸۶؛ رحمان‌پور و میرشاه جعفری، ۱۳۹۵؛ اشرفی و همکاران، ۱۴۰۰) است که نشان داد آسیب‌های جدی در زمینه عدم توجه به تجارب دینی، عدم دین محوری در تربیت دینی، عدم به کارگیری تخیل و استفاده از زبان هنر (عدم توجه به زیبایی شناسی) و رعایت نکردن میانه روی وجود دارد. پژوهش دیگر مرتبط پژوهش حافظی نیا (۱۳۹۶؛ کشاورز، ۱۳۸۷؛ رحمان‌پور و میرشاه جعفری، ۱۳۹۵) است که بیان می‌کند مولفه‌ها و خرده مولفه‌های تربیت دینی به شیوه متعادل در کتاب‌های مورد هدف مورد ملاحظه قرار نگرفتند، با یافته‌های پژوهش حاضر که مصاحبه شوندگان به آسیب‌های محتوا و شیوه‌های ارائه آن اشاره کردند همسو است. همچنین مصاحبه دینانی (۱۳۸۸) در کتاب آسیب‌شناسی تعلیم و تربیت "قشریت و جمود بر ظواهر و نفی معانی باطنی" را به عنوان آسیب جدی تلقی می‌کند و حاضری (۱۳۸۸) که بیان می‌دارد جوهره الزام آور سیستم آموزشی رسمی و در تعارض بودن آن با جوهره دین که سلب و نقض اجبار است

را به عنوان چالشی جدی بیان می‌کند و یا از نظر (مرادی، ۱۳۸۸؛ چراغ چشم، ۱۳۸۶) که نبود عنصر انتخاب، آگاهی و اشتیاق در درس دینی مدارس و به نوعی اجبار یک آسیب جدی در زمینه تعلیم و تربیت می‌داند، را می‌توان ادعا کرد با یافته‌های پژوهش حاضر همسو است. بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان پیشنهادهای کاربردی زیر ارائه نمود:

۱) سیاست‌گذاران برنامه درسی تربیت‌دینی کودکان پیش‌دبستانی باید معیارها و ویژگی‌های مربی شایسته تربیت دینی کودکان پیش‌دبستانی را مشخص نمایند تا مراکز پیش‌دبستانی طبق آن معیارها و ویژگی‌ها اقدام به جذب نمایند.

۲) با عنایت به تفاسیر مختلف از مفاهیم تربیت دینی کودکان پیش‌دبستانی، سیاست‌گذاران باید اقدام به تهیه چارچوب نظری و عملی شفاف برای همه دست‌اندرکاران تربیت دینی کودکان پیش‌دبستانی بویژه مربیان نمایند؛ چرا که بسیاری از ناکامی‌ها در حوزه تربیت‌دینی در نظام آموزشی ناشی از سوء فهم از تربیت‌دینی و معیارهای آن توسط مربیان است (باقری، ۱۳۸۸).

۳) بی‌توجهی به مسائل انگیزشی و رضایت‌شغلی تبعات فراوانی دارد بهتر است سیاست‌گذاران یک سیستم انگیزشی را برای مربیان پیش‌بینی نمایند؛ مثل در نظر گرفتن حقوق متناسب با عملکرد، در نظر گرفتن امتیازات پژوهشی و امثال اینها زیرا مربی که انگیزه و رضایت‌شغلی نداشته باشد نمی‌تواند آن اثر لازم را در تربیت دینی به کودکان داشته باشد.

۴) به سیاست‌گذاران پیشنهاد می‌شود اقدام به تدوین سند برنامه درسی تربیت دینی کودکان پیش‌دبستانی نمایند؛ سندی که جامعیت لازم را داشته باشد و دست‌اندرکاران عرصه تربیت دینی کودکان را از سردرگمی برهاند و همه را در یک جهت سوق دهد.

۵) در تدوین اهداف باید به جنبه‌های کاربردی تربیت دینی کودکان توجه نماید؛ منظور از جنبه‌های کاربردی یعنی اهدافی که در زندگی اجتماعی کودک به کار آید و علاوه بر تاکید به بعد فردی باید به بعد اجتماعی تربیت دینی توجه شود تا آثار آن را در اجتماع مشاهده نماید.

۶) با در نظر گرفتن اصل «فطرت» بهتر است برنامه‌های درسی رسمی تربیت دینی مبتنی بر رغبت و تمایلات فطری و درونی کودکان تنظیم شود.

۷) با در نظر گرفتن اصل آموزش عملی، تبیینی و انتقادی در تربیت دینی، زمینه‌های مناسب به منظور نتیجه‌گیری شخصی کودکان از آموزه‌های دینی و پرهیز از انباشت اطلاعات و سوالات بی‌پاسخ در ذهن آنان فراهم گردد.

۸) برگزاری دوره‌ها و نشست‌های علمی- آموزشی با هدف افزایش سطح آگاهی مریان و خانواده‌ها از نقش تربیت دینی در تامین سلامت روان نوآموزان و پیشگیری از آسیب‌های فردی و اجتماعی.

هر چند که اصطلاح تربیت دینی به عنوان یک حوزه مطالعاتی در دهه هفتاد شمسی وارد مباحث تربیتی کشور شده است و پژوهش‌های زیادی در این زمینه صورت گرفته است اما درباره معنا و قلمرو آن وحدت‌نظری وجود ندارد، انجام پژوهش با رویکرد مروری- فراروایت‌ها^۱ می‌تواند موضوع پژوهشی مناسب برای پژوهشگران علاقمند به این حوزه باشد.

فهرست منابع

- آخش، سلمان؛ حسینی خواه، علی؛ عباسی، عفت؛ موسی پور، نعمت اله. (۱۳۹۵). آسیب شناسی وضعیت آموزش و برنامه‌درسی در دوره پیش از دبستان. فصلنامه مطالعات پیش دبستان و دبستان. سال دوم. سال ششم. صص ۳۱-۱.
- ادیب، مریم (۱۳۹۰). تربیت دینی کودک و نوجوان: نکته‌ها و روش‌ها. تهران: موسسه فرهنگی منادی تربیت قرآن و اهل بیت نبوت (ع).
- آذر کسب، سید حیدر. (۱۳۹۰). آموزش پیش دبستانی مبانی تعلیم و تربیت، رسانه معلم، شماره ۹۶، ص ۱۴.
- اشتراوس، آنسلم و جولیت، کوربین. (۱۳۹۰). اصول روش تحقیق کیفی، نظریه مبنایی: رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اشرفی، سلطان؛ احمدی، زینب؛ کیهان جواد، ملکی؛ آوارسین صادق، یاری، جهانگیر. (۱۴۰۰). طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی تربیت دینی در دوره پیش دبستانی. مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۶ (۱): ۳۰-۷.

1. meta-narrative review

- باقری، خسرو. (۱۳۸۹). الگوی مطلوب آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی. تهران: سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی.
- باقری، خسرو. (۱۳۸۸). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. ج ۲. تهران: انتشارات مدرسه.
- بهشتی، سعید و نیکوئی، روشنک. (۱۳۸۹). کاوش‌هایی در باب فلسفه تربیت دینی از دیدگاه اسلام. روان‌شناسی تربیتی (روانشناسی و علوم تربیتی). ش ۱۸. صفحات ۱۷۸-۱۵۳.
- بهشتی، سعید. (۱۳۸۲). درآمدی بر قلمروشناسی عقلانیت در تربیت اسلامی. فصلنامه تعلیم و تربیت. شماره ۴: ۱۶۰-۱۳۱.
- پاکزاد، عبدالعلی (۱۳۹۰). روش‌های تربیتی در قرآن. ماهنامه معرفت. ش ۱۶: ۱۳ تا ۳۲.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۲). شریعت در آینه معرفت، قم: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- چراغ چشم، عباس. (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی تربیت دینی در مدارس. مجله نقد کتاب. شماره ۴۲: ۱۸۶-۱۵۵.
- حافظی، علیرضا. (۱۳۹۶). بررسی لحاظ شدن مولفه‌های تربیت دینی در مجلات رشد کودک: روش تحلیل محتوا، دوفصلنامه تربیت اسلامی، س ۱۲، ش ۲۴، صفحات ۱۳۹-۱۵۰.
- حیدری، صدرالدین. (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر پذیرش تعلیم و تربیت دینی پسران شاغل به تحصیل در دوره‌ی متوسطه در شهر تهران، رساله دکتری منتشر نشده. دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
- داوودی، محمد. (۱۴۰۰). نقش معلم در تربیت دینی. تهران: حوزه و دانشگاه.
- دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۸۲). رهنمای دین. تهران: انتشارات دریا.
- ذو علم، علی. (۱۳۹۰). کودک، مربی، فطرت و تربیت، رشد آموزش پیش‌دبستانی، دوره دوم، شماره ۳، صص ۱۶-۱۷.
- رحمان پور، محمد و میرشاه جعفری، سیدابراهیم. (۱۳۹۵). آسیب‌های تربیت دینی و ارائه راهکارهای مناسب از دیدگاه صاحب‌نظران با رویکرد برنامه‌ریزی درسی. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۴(۳۲)، ۳۱-۵۲.
- رحمان پور، محمد و میرشاه جعفری، ابراهیم. (۱۳۹۵). آسیب‌های تربیت دینی و ارائه راهکارهای مناسب از دیدگاه صاحب‌نظران با رویکرد برنامه‌ریزی درسی. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و چهارم، دوره جدید، شماره ۳۲، ۵۲-۱۳.
- رحمان پور، محمد. (۱۳۹۰). بازاندیشی در معنا، جایگاه، چالش و آثار عادات دادن در فرایند تربیت اسلامی، ماهنامه معرفت. ش ۱: ۵۹ تا ۷۲.
- رشید، خسرو. (۱۳۹۴). رفتارهای پرخطر در بین دانش‌آموزان نوجوان دختر و پسر شهر تهران. فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی. سال ۱۵. شماره ۵۷.

- زهراکار، کیانوش؛ خانزاده، مصطفی؛ خدادادی سنگده، جواد؛ موزیری، عباس (۱۳۹۲) شیوع شناسی رفتارهای پر خطر مصرف مواد مخدر، سیگار، الکل و هم وقوعی آنها در جوانان. فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناختی. ش ۲. ۱۰۱۰-۱۱۵.
- ساجدی، ابوالفضل. (۱۳۸۶). ابزارها و شیوه های آسیب زا در تعلیم و تربیت دینی دانش آموزان. مجله نقد کتاب. شماره ۴۲: ۳۲-۲.
- سجادی، سید مهدی. (۱۳۸۴). تبیین و ارزیابی رویکرد عقلانی به تربیت دینی: (قابلیتها و کاستیها). فصلنامه نوآوری های آموزشی. شماره ۱۱: ۳۵-۵۵.
- سعادت مند، زهره؛ لیاقتدار، محمد جواد؛ صادقیان، زهرا. (۱۳۹۱). نیازسنجی برنامه درسی دوره پیش دبستانی از دیدگاه مدیران و مربیان شهر اصفهان، پژوهش در برنامه ریزی درسی، شماره ۸، دوره ۲۹، صص ۱۴۵-۱۳۲.
- سلحشوری، احمد. (۱۳۹۰). حدود و ثغور تربیت اخلاقی، تربیت معنوی و تربیت دینی، فصلنامه علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال دوم، شماره ۲، ۴۱.
- شعبانی، زهرا. (۱۳۹۶). مقایسه تاثیر آموزش پیش دبستانی بر عملکرد انس با قرآن نوآموزان مکتب القرآن و سایر مراکز پیش دبستانی، دوفصلنامه تربیت اسلامی، س ۶، ش ۱۲، صفحات ۱۱۹-۱۴۲.
- شمشیری، بابک و نوذری، مرضیه. (۱۳۹۰). آسیبهای تربیت دینی کودکان مقطع پیش دبستانی از نظر متخصصان علوم تربیتی، روانشناسی، علوم دینی، ادبیات کودک و مربیان پیش دبستانی، دوفصلنامه تربیت اسلامی، س ۶، ش ۱۲، صفحات ۷۳-۵۱.
- شهریاری، روح الله و نجفی، حسن. (۱۳۹۸). صلاحیتهای حرفه ای مربی تربیت دینی. نشریه علمی پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و هفتم، دوره جدید، شماره ۵۴، ۲۲۲-۱۹۵.
- صلح میرزایی، سعید. (۱۴۰۰). جهاد تبیین در اندیشه ی حضرت آیت الله العظمی خامنه ای. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۶۳). المیزان، تهران: انتشارات محمد.
- عابدی، فاطمه، منادی، مرتضی، خادمی اشکذری، ملوک، وکیامنش، علیرضا. (۱۳۹۷). واکاوی عوامل مؤثر بر تحقق پذیری تربیت دینی دانش آموزان. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۶(۳۸)، ۱۴۵-۱۶۹.
- عرسان کیلانی، ماجد. (۱۳۸۹). فلسفه تربیت اسلامی. ترجمه بهروز رفیعی. تهران: انتشارات سمت و قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- عزیزی محمودآباد، مهران، رستمی مسنی، کورش، و میرشاه جعفری، سید ابراهیم. (۱۳۹۶). بررسی تاثیر راهبردهای حل مسئله بر رشد شاخصهای تربیت دینی از دیدگاه معلمان. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۵(۳۵)، ۴۵-۶۸.
- فضل الهی قمشی، سیف اله و ملکی توانا، منصوره. (۱۳۹۳). اولویت بندی عوامل خانوادگی مؤثر در تربیت دینی فرزندان. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۲-۲۵.

فلیک، اووه. (۱۳۹۱). درآمدی بر تحقیق کیفی، مترجم هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

قاسم‌پور دهاقانی، علی و جعفری، سید ابراهیم. (۱۳۸۸). سازواری‌ها و ناسازواری‌های تلقین در تربیت دینی، دوفصل‌نامه علمی - پژوهشی تربیت اسلامی، سال چهارم، صص ۲۷-۴۳.

کشاوری، سوسن. (۱۳۸۴). تحلیل دستاوردهای تحقیقات در خصوص تاثیر نظام آموزش و پرورش رسمی کشور بر تربیت دینی دانش‌آموزان. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

کشاوری، سوسن. (۱۳۸۷). شاخصها و آسیب‌های تربیت دینی. دوفصلنامه تربیت اسلامی. ش ۶: ۹۳-۱۲۲.

مرادی، مسعود؛ سید کلان، میر محمد؛ عیاری، لیلا. (۱۳۹۳). طراحی الگوی برنامه درسی معنوی در راستای تربیت زمینه‌ساز؛ راهبردها و راهکارهای اجرایی آن، فصلنامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی، ۱۴۱-۱۱۷.

مفیدی، فرخنده. (۱۳۹۳). مبانی آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان. تهران: سمت.

مهر محمدی، محمود و صمدی، پروین. (۱۳۸۰). طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی دینی برای دوره متوسطه تحصیلی و میزان توافق برنامه درسی رسمی با آن، رساله منتشره نشده دکتری. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

نجفی، حسن و ابراهیمی نیا، رضا. (۱۳۹۹). موانع فردی و اجتماعی هدایت‌پذیری دینی چالشی در هدف‌گذاری برنامه درسی تربیت دینی. معرفت. شماره ۲۷۴. ۶۳-۷۴.

- Bigger, S. (2008). Secular spiritual education. *Educational futures*, 1(1), 60-70.
- Davies, G., & Francis, L. J. (2007). Three approaches to religious education at Key Stages one and two in Wales: how different are church schools?. *Journal of Beliefs & Values*, 28(2), 163-182.
- Hirst, P. (1979). *Education and The Nature of Knowledge*. The Philosophy of Education. Oxford University Press.
- Marton, F. (1988). *Phenomenography: Exploring different conceptions of reality*. *Qualitative Approaches to Evaluation in Education: The Silent Revolution*.
- Fetterman, D. M. (1988). Qualitative approaches to evaluating education. *Educational Researcher*, 17(8), 17-23.

